

مانیفست اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و بازرگانی ایران

مجری طرح: سید مهدی برکچیان

خرداد ۱۳۹۷

پیش‌گفتار طرح پژوهشی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در زمستان سال ۱۳۹۶ طرح پژوهشی حاضر با عنوان «مانیفست اقتصادی اتاق ایران» را با دو هدف مشخص «شکل‌دهی یک دیدگاه سازگار و علمی برای مدیریت اقتصاد کشور در چارچوب روابط بخش خصوصی با حاکمیت» و «ایجاد انسجام و یکپارچگی در مواضع و مطالبات اعضای اتاق بر مبنای آن»، در دستور کار خود قرار داد.

با توجه به اهداف فوق، محتوای «مانیفست اقتصادی اتاق ایران» معطوف به ارایه مجموعه نگره‌ها و راهکارهایی سازگار در خصوص چالش‌های بخش خصوصی با نهادهای حاکمیتی برای دستیابی به اقتصادی آزاد، رقابتی و پویا تدوین شد. از آنجا که دستیابی به اقتصادی با ویژگی‌های فوق، مستلزم رشد بخش خصوصی کارآمد و در نتیجه منوط به وجود محیط کسب و کار مساعد است، هسته‌ی اصلی مانیفست حاضر را سیاست‌های ناظر بر محیط کسب و کار در اقتصاد ایران تشکیل می‌دهد. با این حال به دلیل وابستگی شدید فضای کسب‌وکار به سیاست‌های اقتصاد کلان، مانیفست حاضر سیاست‌های اقتصاد کلان را نیز از این منظر، مورد توجه قرار داده است. با توجه به دامنه وسیع سیاست‌های فوق، مانیفست حاضر موضوعات مختلف اقتصادی را بصورت نسبتاً گسترده‌ای پوشش داده است. با این وجود، موضوعاتی مانند اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، صندوق‌های بازنشستگی، و مسائل حوزه‌ی آب و محیط زیست، علی‌رغم آنکه موضوعاتی مهم و با ابعاد متنوعند، به دلیل آن که مستقیماً به رابطه بخش خصوصی و دولت مربوط نمی‌شوند خارج از چارچوب این مانیفست قلمداد شده‌اند.

با تصویب سرفصل‌ها و همچنین عناوین تعریف شده ذیل هر سرفصل در شورای پژوهشی اتاق ایران، چارچوب کلی مانیفست برای دریافت بازخورد ارکان مختلف اتاق ایران در اختیار ایشان قرار گرفت و با دریافت نظرات آنان، ساختار مانیفست نهایی شد.

برای تدوین محتوای مانیفست، از تعداد فراوانی پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص اقتصاد ایران و همچنین پژوهش‌های بین‌المللی مرتبط، بهره گرفته شد. برای این منظور تلاش شد تا حد امکان تمامی پژوهش‌های مرتبط با اقتصاد ایران که راهکارهای مشخصی را پیشنهاد می‌دهد مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. از این‌رو، علاوه بر استفاده از پژوهش‌های دانشگاهی و مقالات منتشر شده در مجلات علمی، به طور خاص از پژوهش‌های انجام شده توسط پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت

و برنامه‌ریزی و اتاق‌های تهران و ایران استفاده شده که فهرست منتخبی از منابع مورد استفاده در قسمت مراجع ذکر شده است. بخش مهمی از خط‌مشی‌ها و راهکارهای پیشنهادی در مانیفست، برگرفته از نتایج این پژوهش‌هاست (بدون آنکه در متن مانیفست، به تک تک آنها جداگانه ارجاع داده شود).

با تدوین نسخه اولیه مانیفست، متن تهیه شده در اختیار گروهی از کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی قرار داده شد تا با بهره‌گیری از نظرات ایشان اصلاح و تکمیل گردد. آقایان مهدی بهکیش، محسن جلال‌پور، احمد دوست‌حسینی، اصغر شاهمرادی، موسی غنی‌نژاد، سید فرشاد فاطمی، سید علی مدنی‌زاده، پویا ناظران و فرهاد نیلی با بزرگواری زحمت مطالعه دقیق مانیفست را پذیرفتند و با نظرات سازنده‌شان به غنای هرچه بیشتر مانیفست کمک شایانی نمودند. لازم می‌دانم از همه این عزیزان تشکر کنم و البته مسئولیت نقایص و اشتباهات احتمالی موجود در مانیفست بر عهده اینجانب است.

لازم به ذکر است که تدوین مانیفست حاضر با نگاه به یک چشم‌انداز میان‌مدت و شرایط نرمال سیاسی و بین‌المللی تدوین شده و شرایط ویژه و پرتلاطم بعد از خروج آمریکا از برجام، موقتی و گذرا فرض شده است. در نتیجه، این مانیفست به هیچ وجه یک سند سیاستی برای عبور از شرایط ویژه کنونی نبوده و برخی از راهکارهای پیشنهادی در سرفصل‌های برونگرایی و سیاست ارزی منوط به پایان یافتن این شرایط ویژه و ایجاد روابط نرمال اقتصادی و سیاسی در عرصه بین‌المللی است.

مانیفست حاضر در دو نسخه "خلاصه مدیریتی" و "تفصیلی" تهیه شده است. خلاصه مدیریتی حاوی نگرها و خطوط اصلی در خصوص تنظیم مناسبات بخش خصوصی و حاکمیت است. نسخه تفصیلی مانیفست جامعیت بیشتری داشته و ضمناً راهکارهای مشخصی را ذیل هر سرفصل پیشنهاد می‌کند. از آنجا که در تهیه مانیفست، بنا بر رعایت اختصار بوده هر جا که توضیحات بیشتری ضروری به نظر می‌رسیده در بخش پیوست مانیفست آورده شده است.

این اولین تجربه در تدوین مانیفست اتاق ایران محسوب می‌شود و طبیعتاً خالی از کاستی نیست. این سند، اینک در معرض ارزیابی و نقد فعالان اقتصادی، کارشناسان و اقتصاددانان قرار دارد و امید است تا با دریافت نظرات و بازخوردها، قوت بیشتری یابد و بتواند نقش مفید و موثری در تنظیم مناسبات بخش خصوصی با حاکمیت ایفا کند.

در پایان لازم می‌دانم از آقایان پدرام سلطانی و مرتضی الله‌داد، نایب رییس محترم و معاون محترم پژوهشی اتاق ایران، به دلیل همراهی شان در طول اجرای پروژه تشکر کنم. آقای فرهاد خان میرزایی نیز بعنوان همکار، بخش مهمی از بار انجام تحقیق را بر عهده داشتند که از ایشان نیز ممنونم.

فهرست

۶	خلاصه مدیریتی
۱۳	مقدمه
۱۵	بخش اول: فضای کسب و کار
۱۵	حوزه رقابت و خصوصی سازی
۱۸	قیمت گذاری کالاها و خدمات
۲۱	بهبود در فضای کسب و کار
۲۶	حکمرانی خوب
۳۱	اصلاحات در نظام تامین اجتماعی
۳۳	بخش دوم: کلان و مالی
۳۳	برونگرایی و سیاست تجاری
۳۷	سیاست ارزی
۴۰	نظام مالیاتی
۴۲	اصلاح نظام بودجه ریزی و مدیریت بدهی های دولت
۴۶	مطالبات بخش خصوصی از دولت
۴۸	بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی
۴۹	اصلاحات بانکی
۵۵	تامین مالی بخش خصوصی
۶۱	پیوست توضیحات
۷۱	منابع

خلاصه مدیریتی مانیفست اقتصادی اتاق ایران

طی چهار دهه‌ی گذشته، دستیابی به توسعه اقتصادی، محور اصلی حکمرانی کشور نبوده و به دلیل تنظیم حکمرانی در حوزه‌ی مناسبات داخلی و خارجی بر مبنای ملاحظات سیاسی، تنگناها و فشارهای مختلفی بر اقتصاد کشور تحمیل شده است.

علاوه بر این، فقدان یک چارچوب شفاف و سازگار سیاست‌گذاری که مبتنی بر علم اقتصاد و مورد اجماع سیاست‌گذاران کشور باشد، منجر به شکل‌گیری سیاست‌گذاری اقتصادی بر مبنای آزمون و خطا شده بطوری که در برخی موارد به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران در مورد بنیادها و مفاهیم اصلی اقتصادی نیز دچار ابهام و کژفهمی هستند. درآمدهای نفتی نیز با تضعیف ارتباط بین عملکرد اقتصادی با سیاست‌های اتخاذ شده، امکان یادگیری سیاست‌گذاران را کاهش داده و باعث شده است تا کشور در چرخه تکرار سیاست‌های نادرست باقی بماند. در کنار عوامل یاد شده، کوتاه‌مدت‌نگری در عرصه تصمیم‌گیری‌های داخل حکومت، که از عوامل مختلفی از جمله فقدان تحزب ناشی شده، سبب شده است مشکلات ساختاری و بلندمدت اقتصاد ایران لاینحل باقی مانده و به دلیل برخی از تصمیمات نادرست بر عمق و وسعت آن‌ها افزوده شود.

این شرایط باعث شده که هم از منظر رفاه و معیشت مردم و هم از منظر موقعیت کشور در رقابت‌های اقتصادی در سطح جهان، کشور وضعیت نامناسب و نگران‌کننده‌ای داشته باشد. از این رو، ضروری است که مجموعه حاکمیت هرچه سریعتر دستیابی به توسعه اقتصادی را محور اصلی حکمرانی قرار دهد و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی را بر اساس آن تنظیم نماید. در همین راستا، حکومت و بخش خصوصی باید بر دستیابی به اقتصادی آزاد، رقابتی، پویا، بدون رانت و دانش بنیان بعنوان چارچوبی که پیش‌نیاز رشد اقتصادی باثبات و درازمدت است اتفاق نظر حاصل کنند. در چنین چارچوبی، این بخش خصوصی رقابتی است که نقش موتور رشد را بر عهده خواهد داشت.

این در حالی است که محیط نامناسب در فضای کسب و کار ناشی از عدم تنظیم صحیح قواعد و مناسبات حکومت در ارتباط با فعالیت‌های بخش خصوصی در کنار بی‌ثباتی‌های گسترده اقتصادی و سیاسی طی چهار دهه‌ی گذشته، رشد بخش خصوصی را تضعیف کرده است.

غلبه نظام بنگاهداری دولتی بر فضای اقتصادی کشور در سال‌های ابتدایی انقلاب در پی مصادره و ملی کردن بسیاری از بنگاه‌ها و سپس انتقال بخش مهمی از بنگاه‌های دولتی به بخش حاکمیتی غیردولتی با اجرای نادرست سیاست‌های کلی اصل

۴۴ قانون اساسی تصویر ناموزون و منحصر به فردی از نظام بنگاهداری در کشور ایجاد کرده که امکان فعالیت بخش خصوصی را در بسیاری از حوزه‌ها سخت کرده است. ورود مستقیم نهادهای حاکمیتی به حوزه بنگاهداری، که از پشتوانه و نفوذ سیاسی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند، به تضعیف ایفای درست نقش سیاست‌گذاری و نظارت توسط نهادهای دولتی منجر شده و اصول شفافیت و رقابت را به محاق برده است. از این رو، ساختار مالکیت نظام بنگاهداری کشور باید از طریق تسریع در خصوصی‌سازی واقعی، خروج دولت از مالکیت و مدیریت بنگاه‌های دولتی و بویژه بنگاه‌های مربوط به سهام عدالت، و محدود شدن بنگاهداری نهادهای حاکمیتی غیردولتی در چارچوب مأموریت اصلی این نهادها اصلاح شود. همچنین باید با تصویب قانون رقابت و تقویت جایگاه شورای رقابت، این شورا بر حفظ و ارتقای شرایط رقابت منصفانه در فضای اقتصادی کشور نظارت کند.

غلبه نگاه دولت-محور، تورم قوانین و مقررات، بوروکراسی پیچیده و دست‌وپاگیر، عقب‌افتادگی فرآیندهای اداری، مداخلات گسترده دولت، بی‌ثباتی و تغییرات مکرر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، و فساد گسترده، همگی با تخریب فضای کسب‌وکار، امکان فعالیت برای بنگاه‌های بخش خصوصی را مشکل کرده است. در این شرایط، مقررات‌زدایی، کوچک کردن دولت و واگذاری امور به بخش خصوصی و نهادهای مدنی، و توسعه دولت الکترونیک، اقداماتی حیاتی برای بهبود در محیط کسب و کار است. با انجام این اقدامات، دولت این امکان را پیدا می‌کند که توان خود را بر سیاست‌گذاری، نظارت و عرضه کالاهای عمومی (مانند تامین عدالت قضایی، امنیت و دفاع) متمرکز کند.

در برخورد با فساد نیز اولویت باید به مقابله با زمینه‌های فسادزا داده شود که تدوین سازوکارهای مناسب به منظور حل موقعیت تعارض منافع، حذف رانت‌هایی که در اثر قیمت‌گذاری‌های دستوری ایجاد می‌شود، افزایش شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات از راهکارهای اصلی در این حوزه است. توفیق در امر مبارزه با فساد همچنین مستلزم در اولویت قرار گرفتن مسأله‌ی برخورد با فساد در سطح حاکمیت و بازسازی اعتماد اجتماعی است. علاوه بر این، فسادزدایی از نهادهای مرتبط با پایش و پیگیری فساد، ایجاد نظارت همگانی در مبارزه با فساد، و حمایت از افراد و موسسات مستقل گزارش‌دهنده فساد نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در حالی که طی چهار دهه‌ی گذشته تورم مزمن در اقتصاد ایران عمدتاً در اثر بی‌انضباطی مالی-بودجه‌ای دولت ایجاد شده، دولت با سودای کمک به اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر، هزینه بی‌انضباطی مالی-بودجه‌ای خود را از طریق مداخله در قیمت‌گذاری

کالاها و خدمات به بخش خصوصی تحمیل کرده است. این در حالی است که قیمت‌گذاری کالاها و خدمات توسط دولت ابزاری برای مبارزه با تورم یا مبارزه با فقر نیست. دولت باید با پیگیری انضباط در سیاست‌های مالی و پولی، در سطح کلان تورم را تحت کنترل درآورد اما همزمان با انحلال سازمان‌های اخلاص‌گر در سازوکار قیمت، از فرآیند قیمت‌گذاری کالاها و خدمات در سطح خرد به طور کامل خارج شود و صرفاً از طریق شورای رقابت یا تنظیم‌گرهای تخصصی، قیمت‌گذاری کالاها و خدمات انحصاری را سامان‌دهی کند. در مورد کالاهایی که دولت عرضه‌کننده انحصاری آنهاست (مانند انرژی و آب)، قیمت‌گذاری باید به کمیسیون‌های تنظیم‌گری مستقل و تخصصی واگذار شود و از طریق بکارگیری مکانیزمی که قیمت‌ها را بصورت خودکار و با توجه به متغیرهای مختلف، تعیین می‌کند قیمت‌گذاری صورت گیرد. به این شیوه هم هزینه فرصت این نوع کالاها در نظر گرفته می‌شود و هم امکان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای فعالان اقتصادی فراهم می‌گردد.

فعالیت بخش خصوصی نیازمند افقی روشن، باثبات و پیش‌بینی‌پذیر از آینده است. این در حالی است که طی چهار دهه‌ی گذشته، از یک‌سو تلاطم‌های شدید در روابط سیاسی-اقتصادی ایران با دنیا و از سوی دیگر تورم‌های بالا در کشور، بی‌ثباتی-های زیادی را در فضای اقتصادی ایجاد کرده است. وجود تورم‌های بالا و مستمر در کنار سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی نه تنها به تضعیف توان رقابت تولیدات داخلی در مقابل محصولات خارجی انجامیده بلکه با زمینه‌سازی برای جهش‌های نرخ ارز، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد کشور را تضعیف کرده است.

دولت باید با پیگیری راهبرد برون‌گرایی، بعنوان تنها الگوی موفق برای توسعه و پیشرفت اقتصادی، جغرافیای تعامل اقتصادی ایران با کشورهای مختلف را تعیین کند تا تکلیف بخش خصوصی برای ایجاد روابط بلندمدت و باثبات اقتصادی با کشورهای دیگر روشن گردد. البته تعیین جغرافیای تعاملات اقتصادی، خود در گرو تعیین تکلیف راهبرد سیاست خارجی و تعریف جغرافیای تعاملات سیاسی پایدار و بلندمدت است. در این چارچوب، دولت باید استراتژی توسعه صادرات از طریق اتصال بنگاه‌های ایرانی به زنجیره ارزش افزوده جهانی را پیگیری نماید. عضویت در سازمان تجارت جهانی و انعقاد قراردادهای دو یا چند جانبه تجاری با سایر کشورها بویژه همسایگان از دیگر اقداماتی است که باید در این ارتباط صورت گیرد.

کنترل تورم و دستیابی به ثبات اقتصاد کلان بدون اصلاحات عمیق مالی-بودجه‌ای ممکن نیست. نظام بودجه‌ریزی دولت باید به گونه‌ای اصلاح شود که بودجه دولت به سندی پوشا، شفاف، باثبات و قابل پیش‌بینی تبدیل گردد. به منظور تحقق

شرط پوشایی در مدیریت مالی-بودجه‌ای، تمام عملیات مالی حکومت (اعم از قوه مجریه و تمام نهادهای دیگر حکومت) چه در سمت درآمد و چه در سمت هزینه باید در سند بودجه منعکس شود؛ ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در بودجه‌ی دولت از طریق اعمال قواعد مالی^۱ حاصل شود؛ رشد کسری بودجه ساختاری دولت کنترل شود و در یک برنامه‌ی مشخص میزان آن به کمتر از یک درصد از تولید ناخالص داخلی برسد؛ به منظور جلوگیری از سرایت نوسانات درآمد نفت به بودجه، سهم دولت از درآمدهای نفتی که وارد بودجه سالانه می‌شود در مقدار مشخصی (مثلاً ۲۵ میلیارد دلار) ثابت گردد؛ سهم مالیات در کل درآمدهای بودجه افزایش یابد اما به جای افزایش در نرخ مالیات، به بهبود پوشش نظام مالیاتی اولویت داده شود؛ ضمناً مالیات بر مصرف (یا مالیات بر ارزش افزوده) و مالیات بر مجموع درآمد که گستردگی بیشتری در بین آحاد اقتصادی دارند، پایه اصلی نظام مالیاتی قرار گیرد و جایگزین مالیات بر سود شرکت‌ها گردد؛ با واگذاری امور و کوچک‌سازی دولت، سمت مخارج بودجه مورد بازنگری و تعدیل اساسی قرار گیرد؛ رشد اقلام مهم در هزینه جاری مانند هزینه‌های سلامت و هزینه‌های مربوط به صندوق‌های بازنشستگی کنترل گردد و ارایه خدماتی مانند آموزش و بهداشت حتی‌الامکان از طریق سازوکار خرید خدمت صورت گیرد؛ و پروژه‌های عمرانی از طریق مشارکت عمومی-خصوصی اجرا شود.

با انجام اصلاحات در نظام بودجه‌ریزی دولت، امکان استقلال سیاست‌های پولی و ارزی از سیاست‌های مالی-بودجه‌ای فراهم می‌شود و بر این اساس، لازم است سیاست ارزی با سه هدف حفظ رقابت‌پذیری کالاها و خدمات قابل تجارت، جلوگیری از جهش ناگهانی نرخ ارز و کاهش عدم قطعیت‌های ناشی از نوسانات مقطعی ارز تدوین و اجرا شود. بدین منظور، بانک مرکزی مکانیزم تعیین نرخ ارز را بر اساس طراحی کریدور ارزی با هدف تثبیت نرخ ارز حقیقی سیاست‌گذاری و اعلام کند به گونه‌ای که در عین حفظ و ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد ایران پیش‌بینی‌پذیری نرخ ارز ممکن گردد. لازم به تأکید است که استقلال نهادی بانک مرکزی از نفوذ سیاسی دولت و سایر نهادهای حاکمیت، به شکلی که بانک مرکزی بتواند بصورت حرفه‌ای و فارغ از ملاحظات سیاسی به هدایت سیاست‌های پولی و ارزی بپردازد، شرط لازم توفیق سیاست ارزی و همچنین برنامه کنترل تورم است.

¹ Fiscal Rule

دولت در طول سال‌های گذشته مرتباً کسری بودجه خود را از طریق ایجاد بدهی به بانک‌ها و بخش خصوصی تامین کرده است. سرعت رشد این بدهی‌ها بگونه‌ای است که در یک افق ۵ ساله ممکن است کشور با بحران بدهی‌ها مواجه شود و ثبات مالی-اقتصادی آن در خطر قرار گیرد. لذا کنترل کسری بودجه و بازپرداخت بدهی‌ها از اولویتهای اصلی دولت است. بدهی‌های معوق دولت به بخش خصوصی هزینه‌های مالی بنگاه‌ها را افزایش داده و برخی از آنها را با خطر ورشکستگی مواجه کرده و بدهی‌های معوق دولت به بانک‌ها نیز تنگنای مالی بانک‌ها را تشدید کرده است. با توجه به ابعاد بالای بدهی دولت به بخش خصوصی و بانک‌ها، دولت باید بدهی فعلی خود را اوراق بهادارسازی کرده و از این اوراق برای تسویه بدهی خود استفاده کند. علاوه بر این، همواره سهم مشخصی از اصلاحات اقتصادی درآمدزا را برای بازپرداخت بدهی در نظر گیرد. ضمناً تمامی بدهی‌های جدید ایجاد شده توسط دولت در هر سال، باید در پایان همان سال به صورت نقدی به بخش خصوصی بازپرداخت شود و در صورت کسری منابع مورد نیاز، دولت صرفاً مجاز باشد از طریق انتشار اوراق در بازار بدهی، و در سقفی که منجر به ناپایداری بدهی دولت نشود، تامین مالی نماید.

در سال‌های اخیر همواره یکی از مهمترین مشکلات بخش خصوصی، موضوع تامین مالی بوده که با تشدید تنگنای مالی در اقتصاد کشور بر وخامت آن افزوده شده است. با توجه به بانک-محور بودن اقتصاد ایران، مشکل تنگنای مالی نیز تا حدود زیادی از معضلات نظام بانکی نشأت گرفته است. حجم بالای دارایی‌های منجمد در نظام بانکی سبب شده که توان تسهیلات-دهی بانک‌ها کاهش یابد و بانک‌ها در رقابت برای جذب سپرده، به افزایش نرخ سود مبادرت کنند که هزینه‌های مالی بنگاه‌ها را افزایش داده است. نرخ بالای سود سپرده همچنین به رشد شدید سپرده‌های بانکی در سال‌های اخیر انجامیده که نقدینگی را افزایش داده است. بانک‌ها علاوه بر رقابت در جذب سپرده بخشی از کسری‌های خود را نیز از بانک مرکزی تامین کرده‌اند که در نتیجه، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به مهمترین عامل رشد پایه پولی تبدیل شده است. مجموع این شرایط با سرعت دادن به رشد نقدینگی، چشم‌اندازی از تورم‌های بالا برای سال‌های آینده ایجاد کرده است. تداوم شرایط موجود با گسترش و تعمیق مشکلات نظام بانکی، خطر وقوع بحران بانکی و بی‌ثباتی‌های شدید مالی-اقتصادی در کشور را افزایش می‌دهد و به همین خاطر اصلاحات بانکی یک ضرورت فوری و اجتناب ناپذیر است. در عین حال باید توجه داشت که اصلاح سیاست‌های مالی-بودجه‌ای دولت پیش‌شرط توفیق اصلاحات در نظام بانکی کشور است. با توجه به شرایط کنونی نظام بانکی، برنامه‌ی اصلاحی باید شامل حل مشکل ناترازی در نظام بانکی از جمله حل مشکل مطالبات معوق، حل مشکل ریسک اعتباری در

بانک‌ها از طریق ایجاد نظام اعتبارسنجی برای مشتریان و انجام اقدامات نظارتی بر اساس استانداردهای به‌روز جهانی باشد. بدین منظور، بانک مرکزی باید با اصلاح قوانین نظارتی و اجرای استانداردهای رایج در نظام پولی و مالی کنونی در دنیا، سه رکن حسابرسی داخلی^۲، نظارت بر رعایت مقررات^۳ و مدیریت ریسک اعتباری^۴ در بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری را تقویت کند. همچنین بانک‌ها را بر اساس وضعیت سلامت دسته‌بندی کرده و برنامه تجدید ساختار بانک‌ها را بر اساس وضعیت سلامت آنها در اشکال انحلال، ادغام و افزایش سرمایه طراحی و پیگیری کند. به علاوه با هدف کاهش ریسک معاملات بین‌المللی ایران با سایر کشورها، تعهدات فعلی ایران به گروه ویژه اقدام مالی موسوم به FATF^۵ را به انجام رساند. دولت نیز از هرگونه مداخله در امر بانکداری در اشکال استقراض، تحمیل تسهیلات تکلیفی و اعمال نفوذ سیاسی در اعطای تسهیلات منع گردد. ضمناً در میان مدت تعیین دستوری نرخ سود بانکی متوقف گردد و نرخ سود توسط بانک مرکزی و با هدف کنترل تورم، از طریق عملیات بازار باز هدایت شود؛ با به رسمیت شناختن استقلال بانک مرکزی در تدوین و اجرای سیاست پولی و هدایت نرخ سود، این بانک نسبت به کنترل تورم، مسئول و پاسخگو گردد.

برای بهبود شرایط تامین مالی در کشور، بازار سرمایه نیز باید نوسازی گردد و نقش پررنگ‌تری در تامین مالی بنگاه‌ها بر عهده بگیرد؛ با تسهیل فرایند انتشار اوراق تامین مالی بویژه از طریق رتبه‌بندی ریسک شرکت‌ها، تامین مالی برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ عمدتاً به بازار سرمایه منتقل شود تا بانک‌ها بر ارایه تسهیلات به شرکت‌های کوچک و متوسط و همچنین تامین سرمایه در گردش، متمرکز گردند؛ ابزارهای مبتنی بر فناوری‌های جدید مالی (فین تک) برای تسهیل در فرآیندهای اعطای تسهیلات به خانوارها، بنگاه‌های کوچک و متوسط و انجام سرمایه‌گذاری جمعی^۶ توسعه پیدا کند؛ و از طریق ایجاد ارتباط با بورس‌های کشورهای دیگر، امکان تامین مالی خارجی برای بنگاه‌ها تسهیل گردد.

اقتصاد ایران در خطر فروغلتیدن در تله سرمایه‌گذاری اندک است. از ابتدای دهه ۹۰ شمسی در اکثر سال‌ها رشد سرمایه‌گذاری منفی بوده و رشد موجودی سرمایه کشور – که تا حد زیادی تعیین‌کننده رشد اقتصادی است – به شکل بسیار نگران‌کننده‌ای به صفر نزدیک شده است. اگر اقدامی اساسی در جهت تجهیز منابع و جهش سرمایه‌گذاری در کشور صورت نگیرد این خطر

² Internal Audit

³ Compliance

⁴ Credit Risk Management

⁵ Financial Action Task Force (FATF)

⁶ Crowd Financing

بطور جدی برای کشور وجود دارد که در یک تعادل رشد اقتصادی پایین گرفتار شود. در این شرایط، اقتصاد ایران نه تنها نیازمند آن است که منابع داخلی را بصورت کارآمدی برای تولید، تجهیز کند بلکه ناگزیر از بکارگیری منابع خارجی در حد گسترده است. به منظور تسهیل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، دولت باید راهبرد جذب سرمایه‌گذاری خارجی که در آن بطور شفاف، مرزهای حضور سرمایه‌گذاران خارجی و میزان مجاز حضور آنان در بخش‌های مختلف اقتصاد بر اساس اولویت‌های منافع ملی و ملاحظات امنیتی تعریف شده را تدوین و اعلام کند؛ اقدام به رتبه‌بندی ریسک کشور توسط نهادهای مالی و اعتباری بین‌المللی کند و سپس اقدامات لازم برای بهبود رتبه ریسک کشور را به عمل آورد؛ و قوانین و آیین‌نامه‌هایی که صراحتاً یا به دلیل عدم شفافیت، ورود سرمایه‌گذاران خارجی را مشکل می‌کند اصلاح نماید و نسبت به تسهیل فرایندهای ورود سرمایه اقدام کند. بر همین اساس، صندوق توسعه ملی نیز باید استراتژی خود را بر مبنای اهرمی‌سازی منابع خود در جهت جذب سرمایه‌های خارجی تدوین کند. صندوق از جمله می‌تواند با مشارکت در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی، پوشش ریسک سیاسی قراردادها را بر عهده بگیرد.

مقدمه مانیفست اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران مهم‌ترین رکن نهادی بخش خصوصی در اقتصاد ایران است که در جهت حفاظت از منافع بخش خصوصی، نقش پل ارتباطی بین این بخش و ارکان حاکمیت را ایفا می‌کند و در انجام این نقش، خود را موظف به حمایت از منافع تمام فعالان اقتصادی، و نه فقط اعضای رسمی اتاق، می‌داند. این نهاد همچنین از آغاز تاسیس، به دلیل برخورداری از انباشت تجربه موجود در بخش خصوصی، در جایگاه ارائه نظر مشورتی در مورد مسائل اقتصادی کشور به قوای سه گانه قرار داشته است.

نقش و جایگاه اتاق ایران در تعامل با ارکان مختلف حاکمیت - اعم از مراکز تصمیم‌گیری و دستگاه‌های اجرایی - ایجاب می‌کند که ارکان اتاق در رده‌های مختلف از یک دیدگاه اقتصادی شفاف، سازگار و مبتنی بر قواعد و اصول علم اقتصاد برخوردار بوده و این دیدگاه، مبنای تعامل با ارکان حاکمیت قرار گیرد؛ دیدگاهی که دستیابی به اقتصادی آزاد، رقابتی و پویا و رشد بخش خصوصی کارآمد را مد نظر دارد.

در شرایط کنونی، وجود چالش‌های بزرگ و متعدد اقتصادی در کشور و نیاز به یک نقشه راه برای مواجهه با این چالش‌ها، لزوم همگرایی تحلیلی در درون بخش خصوصی و همچنین بین حاکمیت و بخش خصوصی در اتخاذ مواضع اقتصادی سنجیده را دو چندان می‌کند. با این وجود، میراث ذهنی بجا مانده از اقتصاد دولتی و متمرکز در چند دهه‌ی گذشته، منافع شکل گرفته در اثر بسته بودن اقتصاد و حمایت‌های گلخانه‌ای به اضافه برخی مناسبات مالی و اقتصادی منحصر بفرد با جهان، و نهایتاً انباشت و بحرانی شدن معضلات متعدد، سبب شده تا در شرایط فعلی نگرش‌های متفاوت و حتی متضادی در خصوص چالش‌های اصلی کشور و چگونگی مقابله با آن‌ها پدید آید. این امر امکان تعامل و دستیابی به چارچوبی مشترک برای برون‌رفت از شرایط فعلی را با دشواری مضاعفی مواجه ساخته است.

اکنون شرایط اقتصادی بگونه‌ای است که تصمیم‌گیری در مورد چگونگی مواجهه با چالش‌های اقتصادی نه تنها سال‌های پیش‌رو بلکه آینده بلندمدت کشور را نیز متأثر خواهد کرد. از این رو ارکان مختلف در کشور برای عبور از این مقطع، وظیفه‌ای تاریخی بر عهده دارند. اتاق ایران نیز با درک این وظیفه تاریخی، تلاش کرده تا با تهیه یک مانیفست، علاوه بر ایجاد انسجام و یکپارچگی در مطالبات اعضای اتاق، به شکل‌گیری یک دیدگاه سازگار و علمی برای مدیریت اقتصاد کشور در چارچوب

روابط بخش خصوصی با حاکمیت کمک کند. لذا سند حاضر را بر اساس قواعد و اصول علم اقتصاد و با بهره‌گیری از تجربه‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی در کشور در چند دهه‌ی گذشته و همچنین تجربیات کشورهای مختلف جهان، تدوین نموده است.

البته مانیفست حاضر، یک سند سیاست‌گذاری برای پاسخ به همه معضلات اقتصاد ایران نیست، و اصولاً یک چارچوب سیاست‌گذاری فراگیر برای حاکمیت نیز نیست، بلکه راهنمایی حتی‌الامکان جامع، ناظر بر تنظیم مناسبات بخش خصوصی با حاکمیت است. مجموعه پیش‌رو، ضمن آنکه یک مانیفست به معنای مجموعه‌ای از نگره‌ها و باورها است، در عین حال حاوی راهکارهایی مشخص بر اساس اصول و قواعد اصلی علم اقتصاد است و در آن تلاش شده است تا خطوط راهنمای دستیابی به اقتصادی آزاد، پویا، رقابتی، بدون رانت و دانش‌بنیان فارغ از منافع گروهی یا صنفی ترسیم گردد.

از آنجا که رشد بخش خصوصی کارآمد مستلزم وجود محیط کسب و کار مساعد است، هسته‌ی اصلی مانیفست حاضر را سیاست‌های ناظر بر محیط کسب و کار در اقتصاد ایران تشکیل می‌دهد. با این حال به دلیل وابستگی شدید ثبات و پیش-بینی‌پذیری اقتصاد به سیاست‌های اقتصاد کلان، مانیفست حاضر سیاست‌های اقتصاد کلان را نیز از این منظر، مورد توجه قرار داده است. این مانیفست در ۱۳ سرفصل تدوین شده است و سرفصل‌های انتخاب شده، ذیل دو عنوان کلی «فضای کسب و کار» و «کلان و مالی» قرار می‌گیرند. عناوین انتخاب شده برای سرفصل‌ها، مهمترین موضوعاتی بوده‌اند که طی سال‌ها و دهه‌های گذشته، بخش خصوصی در ارتباط با مدیریت اقتصاد کشور با آن مواجه بوده است. انتظار بر این است که با تدوین این مانیفست بعنوان یک چارچوب سازگار و منسجم، از این پس، مصوبات و برنامه‌های اتاق ایران در انطباق با آن شکل خواهد گرفت.^۷

لازم به ذکر است که در تدوین مانیفست، مبنای رعایت اختصار بوده و به همین دلیل در هر سرفصل، مهم‌ترین موارد انتخاب شده‌اند. بناگزیر، موارد بسیار دیگری بوده که آگاهانه، در مانیفست مورد اشاره قرار نگرفته‌اند. این اولین تجربه در تدوین

^۷ مانیفست حاضر با نگاه به یک چشم‌انداز میان‌مدت و شرایط نرمال سیاسی و بین‌المللی تدوین شده و شرایط ویژه و پرتلاطم بعد از خروج آمریکا از برجام، موقتی و گذرا فرض شده است. در نتیجه، این مانیفست به هیچ وجه یک سند سیاستی برای عبور از شرایط ویژه کنونی نیست و برخی از راهکارهای پیشنهادی در حوزه برونگرایی و سیاست ارزی نیز منوط به پایان یافتن این شرایط ویژه و ایجاد روابط نرمال اقتصادی و سیاسی در عرصه بین‌المللی است.

مانیفست اتاق ایران محسوب می‌شود و طبیعتاً خالی از کاستی نیست. امید می‌رود که در سال‌های آینده با بهره‌گیری از نظرات اعضای محترم اتاق و دیگر کارشناسان، بتوان بتدریج آن را ارتقا داد و تکمیل کرد.

بخش اول: فضای کسب و کار

حوزه رقابت و خصوصی‌سازی

رشد اقتصادی شتابان و ایجاد اشتغال، محصول عملکرد بنگاه‌های اقتصادی است که خود در گرو کارایی و نوآوری بنگاه‌ها است. کارایی و نوآوری بنگاه‌ها نیز کاملاً از ساختار مالکیت، نظام انگیزشی داخلی بنگاه و فضای محیطی فعالیت و رقابت بنگاه تاثیر می‌پذیرد. نظام بنگاهداری در کشور در طول ۴۰ سال گذشته فراز و نشیب‌های زیادی را سپری کرده است. در دوره ابتدای انقلاب، در پی مصادره و ملی کردن بسیاری از بنگاه‌ها، نظام بنگاهداری دولتی بر فضای اقتصادی کشور غلبه یافت. سپس با بروز عواقب منفی و ناکارایی‌های گسترده این نظام، تلاش‌هایی در جهت خصوصی‌سازی و ایجاد نظام بنگاهداری خصوصی صورت گرفت که تصویب قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نقطه عطفی در این مسیر محسوب می‌شود. اما متأسفانه آنچه در عمل حاصل شده نه یک نظام بنگاهداری خصوصی رقابتی بلکه عمدتاً انتقال مالکیت از بخش دولتی به بخش حاکمیتی غیردولتی است. این شرایط، یک تصویر ناموزون و منحصر بفرد از بنگاهداری در کشور ایجاد کرده و این نگرانی را به دنبال دارد که بتدریج و با افزایش سهم نهادهای حاکمیتی در اقتصاد کشور، ترکیب بنگاهداری دولتی و حاکمیتی غیردولتی، اصول رقابت و شفافیت در اقتصاد را به محاق ببرد و در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، فرصت رشد را از بخش خصوصی سلب کند.

ایجاد یک ساختار رقابتی، شرط لازم رشد بلندمدت اقتصاد و از مهمترین اولویت‌های امروز کشور است و سیاست‌گذاری دولت در این حوزه باید مبتنی بر رعایت اصول شفافیت، منصفانه بودن و با در نظر گرفتن ساختار بازار باشد. تبعیض در دسترسی بنگاه‌های زیرمجموعه نهادهای عمومی غیردولتی به رانت‌های اطلاعاتی و فرصت‌ها و امکانات بخش دولتی اصل منصفانه بودن رقابت را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، شفافیت در رقابت مستلزم تعریف قواعد و الزامات مشخص و سنجش‌پذیر و اجرای آن‌ها به منظور تعیین حدود فعالیت بخش خصوصی و نهادهای عمومی غیردولتی و بنگاه‌های بخش دولتی است [۱]. و

نهایتاً اینکه ایجاد رقابت باید از طریق شکل دهی به ساختار بازار باشد به این معنی که با ایجاد سهولت در محیط حقوقی کسب و کار امکان حضور عرضه‌کنندگان متعدد افزایش پیدا کند. این امر می‌تواند با افزایش حق انتخاب مصرف‌کننده، به رقابت بین عرضه‌کنندگان شکل دهد. با توجه به این قواعد، اقدامات زیر پیشنهاد می‌گردد:

- خصوصی‌سازی واقعی هرچه سریع‌تر در اقتصاد ایران صورت گیرد. در همین ارتباط، دولت تکلیف مالکیت سهام عدالت را مشخص کند و از مالکیت و مدیریت بنگاه‌های مرتبط با سهام عدالت خارج شود.
- دولت شرکت‌های دولتی باقیمانده را هر چه زودتر به بخش خصوصی واقعی واگذار کند و از مداخله در مدیریت بنگاه‌های واگذار شده منع شود.
- ساختار انگیزشی نهادهای دولتی در جهت تشویق به واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه به بخش خصوصی واقعی اصلاح شود. در گام اول، ارتباط مالی بین دستگاه‌های دولتی اعم از سازمان‌های دولتی یا وزارت‌خانه‌ها با شرکت‌های دولتی قطع گردد.
- به منظور ارتقای بهره‌وری در مدیریت بنگاه‌های بخش دولتی از طریق ایجاد صرفه حاصل از مقیاس، بنگاه‌های اقتصادی دولتی که در یک حیطه فعالیت تعریف می‌شوند در قالب تعداد محدودی هولدینگ تجمیع شوند و دولت اقدام به واگذاری سهام این هولدینگ‌ها نماید^[۲]. به علاوه به منظور جذب سرمایه‌های خرد، بخشی از واگذاری سهام این هولدینگ‌ها از طریق واگذاری غیربلوکی باشد.
- واگذاری بنگاه‌های کوچک و متوسط در اولویت واگذاری نسبت به بنگاه‌های بزرگ قرار گیرند.
- با تجدید ساختار بنگاه‌های دولتی پیش از واگذاری شرایط برای حضور سرمایه‌گذاری خارجی برای مالکیت و مدیریت بنگاه‌های دولتی فراهم شود. در تحقق این بند، صندوق توسعه ملی می‌تواند با ایجاد یک سازه مالی با هدف خاص (SPV^۸)، منابع خود را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی اهرم کند. نقش صندوق توسعه ملی می‌تواند پوشش ریسک‌های ناشی از اقدامات دولت به ویژه ریسک‌های سیاسی در اقتصاد ایران باشد.

^۸ Special Purpose Vehicles (SPV)

- به منظور دستیابی به اهداف تعریف شده در «سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» پیشنهاد می‌شود به تدریج و در افق زمانی میان مدت فعالیت بنگاهداری نهادهای عمومی غیردولتی در چارچوب مأموریت و کارکرد این نهادها قرار گیرد. به طور مشخص نهادهای انقلاب اسلامی (بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد شهید)، موسسات خیریه و نهادهای وابسته به آستان‌های متبرکه، بنگاهداری خود را در مناطق کمتر توسعه یافته و محروم متمرکز کنند. صندوق‌های بازنشستگی و تامین اجتماعی باید با محدود شدن از جهت حوزه فعالیت اقدام به واگذاری بنگاه‌های خود کرده و رویکرد خود را به جای مدیریت دارایی فیزیکی بر مدیریت دارایی کاغذی با ریسک قابل تحمل قرار دهند. نهادهای نظامی و انتظامی نیز حوزه فعالیت خود را به موارد مرتبط با کارکرد نظامی و امنیتی محدود نمایند.
- در افق کوتاه مدت با ملاک قرار دادن قاعده ذی نفع واحد^[۳]، ماده ۲ «قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» ناظر بر رعایت سقف ۴۰ درصدی مجموع سهم از بازار موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی اجرایی شود.
- به منظور دستیابی به اهداف فصل نهم «قانون سیاست‌های کلی اصلی ۴۴ قانون اساسی» و ایجاد وحدت رویه بین قوانین مختلف ناظر بر رقابت پیشنهاد می‌شود دولت با همکاری مجلس شورای اسلامی با اصلاح و بهبود «فصل نهم قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، قانونی با عنوان «قانون رقابت»^[۴] را تدوین و تصویب نماید.
- شورای رقابت تمام قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی را که پیش از این تصویب شده و در تضاد با قانون رقابت هستند، مشخص کرده و برای اصلاح، به دولت و مجلس شورای اسلامی گزارش کند. از این پس نیز بصورت دایم، قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های جدید را از این منظر پایش نماید تا تمام مصوبات جدید منطبق با قانون و اصل رقابت باشند.
- تنظیم‌گری در انحصارهای طبیعی از طریق ایجاد تنظیم‌گرهای مستقل و تخصصی اعمال شود. این تنظیم‌گرها نقش‌های مربوط به تنظیم‌گرهای فنی و اقتصادی را توأمان به عهده خواهند داشت.

قیمت‌گذاری کالاها و خدمات

سازوکار شکل‌گیری قیمت توسط عوامل بازار مهم‌ترین عامل در جهت‌دهی فعالیت‌های اقتصادی است. سیاست‌های دولت در خصوص قیمت، باید معطوف به شکل‌دهی بازار باشد و قیمت‌گذاری مستقیم کالاها و خدمات توسط دولت باید فقط به شرایط خاص محدود گردد. با این حال تورم مزمن در اقتصاد ایران به دلیل سیاست‌های پولی و مالی دولت و همچنین اعطای گسترده یارانه‌های ضمنی سبب شده است تا دولت ابزار کنترل قیمت در سطح خرد را به جای سیاست‌های پولی و مالی برای مهار تورم به کار بندد. این در حالی است که قیمت‌گذاری کالاها و خدمات توسط دولت ابزاری برای مبارزه با تورم یا مبارزه با فقر نیست. این شیوه از مداخله مستمر دولت در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، با آشفته کردن فضای اقتصادی شرایط فعالیت را برای بنگاه‌های بخش خصوصی بسیار مشکل کرده است.

پس از پذیرش این قاعده کلی که دولت باید یک بار و برای همیشه از حوزه قیمت‌گذاری کالا و خدمات خارج شود، در موارد استثنایی که دولت، مجاز به قیمت‌گذاری است این اقدام باید با توجه به رعایت اصل حق مالکیت، کاهش عدم قطعیت‌های اقتصادی و حمایت توامان از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان صورت گیرد. رعایت اصل حق مالکیت که ناظر بر ایجاد انگیزه برای اتخاذ بهترین تصمیمات برای فعالیت اقتصادی است به معنای بازگشت سود و زیان حاصل از این تصمیمات به تولیدکننده است. قیمت‌گذاری دولت فرآیند بازگشت سود به تولیدکننده را مختل کرده و حق مالکیت را نقض می‌کند. در صورتی که دولت به دلیل فراهم آوردن نهاده‌های تولید یا به دلیل ساختار انحصاری بازار اقدام به قیمت‌گذاری کند، این قیمت‌گذاری باید به صورت شفاف و پیش‌بینی‌پذیر باشد تا باعث ایجاد عدم قطعیت اقتصادی نگردد و تصمیمات بنگاه در خصوص تولید یا سرمایه‌گذاری را مختل نکند. به علاوه به منظور حمایت توامان از تولیدکننده و مصرف‌کننده رویکرد دولت در شکل‌دهی قیمت باید به جای تنظیم سطح قیمت^[۵] بر ساختار تعیین قیمت از طریق شکل‌دهی به ساختار بازار مبتنی باشد. با رعایت این قواعد، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- دولت در سطح اقتصاد کلان، ضمن حذف تدریجی یارانه‌های ضمنی، انضباط در سیاست‌های پولی و مالی را به منظور کاهش تورم و نوسانات قیمتی رعایت نماید و در سطح اقتصاد خرد، رویکرد اصلی، تنظیم قواعد مبتنی بر رفتار عرضه و

تقاضا، تنظیم فعالیت بنگاه‌های عمومی غیردولتی، ایجاد رقابت از طریق کاهش هزینه‌های ورود (از طریق اصلاح فرآیندهای اعطای مجوز به فعالیت‌ها و پایش دامپینگ توسط بنگاه‌های موجود در اقتصاد) و کاهش هزینه‌های خروج (از طریق اصلاح در قوانین ورشکستگی و قانون کار) باشد به طوری که قیمت‌گذاری دولت صرفاً به حوزه‌هایی با انحصار طبیعی محدود گردد و صرفاً از طریق تنظیم‌گرهای تخصصی اعمال شود.

- سیاست‌های حمایتی دولت در قالب اعطای یارانه به تولید یا تعیین سقف قیمت مبتنی بر هزینه تمام شده که جنبه مداخلات قیمتی دارد و با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان و از طریق سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان یا سازمان تعزیرات حکومتی اعمال می‌شود در میان مدت با سیاست‌های اعطای یارانه‌های نقدی به خانوارهای کم درآمد جایگزین شود.

- در کوتاه‌مدت، به منظور کاهش مداخلات قیمتی، دستورالعمل تعیین قیمت کالاهای اساسی و ضروری توسط دولت تدوین شود به طوری که شرایط ورود دولت به قیمت‌گذاری این دسته از کالاها و همچنین مدت زمان این قیمت‌گذاری به طور شفاف و سنجش‌پذیر معین شود. به علاوه مبتنی بر یک نقشه راه مشخص نقش دولت در تعیین قیمت کالاها و خدمات صرفاً از طریق شورای رقابت اعمال گردد. این نقشه راه حداقل شامل مراحل زیر است:

- در مورد کالاهایی که دولت عرضه‌کننده‌ی آنها نیست، دولت مداخله‌ای در تعیین قیمت آنها نداشته باشد و نظارت دولت تنها از طریق شورای رقابت اعمال شود.

- در مورد کالاهایی که دولت عرضه‌کننده‌ی انحصاری آنهاست (مانند آب و انرژی)، علاوه بر ایجاد امکان حضور بخش خصوصی، لازم است دولت به جای اعلام قیمت کالاها، به تشکیل تنظیم‌گرهای مستقل و تخصصی اقدام کند بطوری که نیازی به مداخله مستقیم دولت برای تعیین قیمت نباشد.^۹ این تنظیم‌گرها مکانیزمی را برای قیمت‌گذاری معرفی و اجرایی کنند که قیمت‌ها را بصورت خودکار و با توجه به متغیرهای مختلف، مشخص کند بگونه‌ای که پیش‌بینی قیمت و برنامه‌ریزی را برای

فعالان اقتصادی امکانپذیر نماید. [۶]

^۹ موضوع اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، که موضوعی بسیار گسترده و با ابعاد متنوع است، خارج از چارچوب این مانیفست محسوب می‌شود و به همین خاطر، در این مانیفست به تفصیل بدان پرداخته نشده است.

○ در مورد قیمت‌گذاری در حوزه زیرساخت، به منظور بهبود ساختار انگیزشی برای حضور بخش خصوصی و خروج تدریجی دولت از این حوزه، تعیین قیمت ارائه کالاها و خدمات در این حوزه با در نظر گرفتن ملاک‌های اقتصادی باشد. به علاوه دولت برای افزایش انگیزه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی زیرساخت می‌تواند از طریق قراردادهای بلندمدت، خریدار کالاها و خدمات ارائه شده در این حوزه باشد.

○ در حوزه خدمات برای بهبود در فرآیند شکل‌گیری قیمت، دولت شرایط را برای شکل‌گیری بنگاه‌های بزرگ خدماتی فراهم کند به طوری که ارائه خدمات از طریق بنگاه‌هایی که نام‌های تجاری دارند، صورت گیرد. سپس فرآیند قیمت‌گذاری بنگاه‌های بزرگ خدماتی از منظر احتمال انحصار یا تباری توسط شورای رقابت پایش شود.

- حمایت دولت از تولید از طریق حمایت‌های قیمتی مانند تعیین کف قیمت یا اعطای یارانه به نهاده‌ها مانند اعطای وام ارزان قیمت باید بطور کلی متوقف گردد و در موارد استثناء، محدود به حوزه‌های با تکنولوژی پیشرفته با اثرات بیرونی^{۱۰} زیاد برای سایر بخش‌های اقتصادی باشد. به علاوه این حمایت‌ها باید به صورت مشروط و موقت ارائه گردد.
- در صورتی که دولت عرضه‌کننده‌ی انحصاری نهاده‌ی تولید است (مانند خوراک پتروشیمی)، به منظور کاهش عدم قطعیت‌های اقتصادی و علامت‌دهی صحیح به فعالان اقتصادی، قیمت این نهاده‌ها با در نظر گرفتن هزینه فرصت آن‌ها، بر اساس یک سازوکار مشخص و شفاف قیمت‌گذاری و تحت قراردادهای بلندمدت تعیین شود.
- با توجه به نقش فراقوه‌ای شورای رقابت و به منظور ایجاد وحدت رویه در فرآیندهای قیمت‌گذاری، تمامی سازمان‌ها و نهادهای اثرگذار در حوزه‌ی تعیین قیمت از جمله سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و سازمان تعزیرات حکومتی منحل شده و تصمیمات در خصوص تنظیم سطح قیمت یا ساختار تعیین قیمت صرفاً توسط شورای رقابت یا تنظیم‌گرهای تخصصی بخشی اتخاذ شود.^[۷]

¹⁰ Externality

بهبود در فضای کسب و کار

متأسفانه اقتصاد ایران به لحاظ شاخص‌های کسب و کار در موقعیت بسیار نامناسبی به لحاظ رتبه‌بندی‌های بین‌المللی قرار دارد و دستیابی به اقتصادی پرتحرک و پیشرو بدون انجام اصلاحات اساسی در این حوزه امکان‌پذیر نیست. غلبه نگاه دولت-محور، بوروکراسی پیچیده و دست‌وپاگیر، عقب‌افتادگی فرایندها و عدم توسعه دولت الکترونیک، مداخلات گسترده دولت، بی‌ثباتی و تغییرات مکرر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، فساد، عدم تجهیز نظام مالی به شیوه‌های مدرن تامین مالی، و تنگنای مالی در کشور، همگی با تخریب فضای کسب‌وکار، امکان فعالیت برای بنگاه‌های بخش خصوصی را مشکل کرده است.

اگر فضای کسب و کار مجموعه‌ای از قواعد تعریف شود که تصمیمات بنگاه را متأثر می‌کند، آن‌گاه می‌توان در یک دسته‌بندی کلی این قواعد را در سه گروه قواعد مرتبط با شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی، قواعد مربوط به تداوم فعالیت بنگاه‌ها و قواعد مربوط به خروج بنگاه‌های اقتصادی از بازار دسته‌بندی کرد.

بر اساس گزارش شاخص سهولت در کسب و کار بانک جهانی،^{۱۱} مجموعه مولفه‌های مرتبط با قواعد فوق در ده مورد، دسته‌بندی شده‌اند. مولفه‌ی اول، قواعد مربوط به شکل‌گیری بنگاه شامل مراحل اخذ مجوز، و بررسی صلاحیت کارفرما و مجموعه تحت هدایت وی برای ایجاد یک فعالیت اقتصادی جدید است. مولفه‌ی دوم، کسب مجوزهای ساخت و ایجاد بنگاه است. یک بنگاه پس از صرف زمان برای ثبت رسمی شرکت و شروع فعالیت نیازمند طی کردن مراحلی برای اخذ مجوز برای ساخت انبار یا سایت بنگاه است. مولفه‌ی سوم، دسترسی به زیرساخت‌هایی مانند آب، برق، گاز، تلفن و اینترنت است. مولفه‌ی چهارم، ثبت و انتقال مالکیت دارایی‌های یک بنگاه از جمله زمین یا سایر دارایی‌هاست. فرآیند ثبت و انتقال مالکیت دارایی علاوه بر اهمیت آن برای توسعه فعالیت یک بنگاه به دلیل نقشی که این دارایی‌ها به عنوان وثیقه دارند نیز مهم است. مولفه‌ی پنجم دسترسی به اعتبارات مالی است. مولفه‌ی ششم، حفظ حقوق سهامداران خرد است. سهامداران کلان یک بنگاه امکان اثرگذاری بیشتری بر تصمیم مدیران یک بنگاه دارند. به همین خاطر این امکان برای آن‌ها فراهم است تا منابع و دارایی‌های بنگاه را در جهت منافع شخصی خود هدایت کنند یا از آن‌ها سوءاستفاده کنند. مولفه‌ی هفتم، فرآیند اخذ مالیات از بنگاه است. مولفه‌ی هشتم قواعد حاکم بر تجارت بین‌المللی است. هر بنگاهی برای آنکه بتواند تجارت در خارج از مرزها داشته باشد

^{۱۱} Ease of Doing Business Index, World Bank

نیازمند طی کردن مراحل برای اخذ مجوزهای لازم برای صادرات یا واردات است. مولفه‌ی نهم کیفیت اجرای قراردادهای منعقد شده است که به محیط حقوقی یک کشور و چگونگی رسیدگی به شکایات بستگی دارد. مولفه‌ی دهم، رسیدگی به فرآیندهای ورشکستگی است. ورشکستگی یک بنگاه و طی شدن مراحل آن مستلزم تعیین تکلیف بدهی‌های بنگاه با استفاده از نقد کردن دارایی‌ها یا تعیین مراحل تجدید ساختار بنگاه‌های اقتصادی است. با در نظر گرفتن موارد فوق، اقدامات زیر را می‌توان در جهت بهبود در محیط کسب و کار پیشنهاد داد:

- برنامه مقررات‌زدایی به منظور دستیابی به دولت چالاک و کارا، کاهش مداخلات دولت در کسب و کار، تسهیل فرآیندهای مربوط به ورود، تداوم و خروج بنگاه‌های اقتصادی و کاهش مراکز تصمیم‌گیری در خصوص مجوزهای مورد نیاز برای شروع فعالیت‌های اقتصادی پیگیری و تسریع شود. برای این منظور، کارگروه مقررات‌زدایی ذیل معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی فعال‌تر شده و پس از نهایی کردن فرآیند احصاء مجوزهای لازم، نسبت به پالایش و حذف مجوزهای غیرضرور با همکاری سایر دستگاه‌ها اقدام کند. اتاق ایران آمادگی دارد مسئولیت اصلی را در برنامه مقررات‌زدایی بر عهده بگیرد و این برنامه را در چارچوب مانیفست حاضر طراحی کند.
- تعداد مراحل مربوط به صدور مجوز و همچنین امور مربوط به نظارت بر فعالیت بنگاه‌ها به حداقل کاهش یابد و این دسته از امور، حتی‌الامکان به تشکل‌های بخش خصوصی و نهادهای مدنی واگذار گردد.
- رتبه‌ی ایران در شاخص سهولت در کسب و کار برای سال‌های آتی هدفگذاری شود به طوری که با انجام اقدامات لازم ایران در گروه ۵۰ کشور نخست در ۵ سال آتی قرار گیرد.
- به منظور بهبود در موارد مربوط به شروع کسب و کار پیشنهاد می‌شود دولت اقدامات زیر را عملیاتی کند:
 - کاهش مجوزهای کسب‌وکار و تسهیل و تسریع صدور آنها (اجرای ماده ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی)
 - حذف الزام به پرداخت مالیات دو در هزار ارزش اسمی سرمایه سهام پذیرهنویسی شده در زمان تأسیس شرکت در ماده ۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم
 - ایجاد پنجره واحد به منظور کاهش زمان و مراحل مورد نیاز برای ثبت شرکت و دریافت مجوزهای مورد نیاز

- ارتقای دولت الکترونیک به منظور طی کردن مراحل اخذ مجوزهای مربوط به شروع فعالیت‌های کسب و کار بدون نیاز به مراجعه حضوری از طریق اجرای کامل فرایند ثبت شخص حقوقی بر پایه امضای الکترونیکی
- به منظور بهبود در دسترسی به زیرساخت‌ها دولت اقدامات زیر را انجام دهد:
 - کاهش مراحل مورد نیاز برای اخذ مجوزهای مربوط به دریافت انشعابات زیرساخت‌ها
 - ایجاد نهاد تنظیم‌گر بخشی برای انحصارهای طبیعی و طراحی یک مکانیزم قیمت‌گذاری پویا به منظور پیش‌بینی‌پذیر شدن قیمت زیرساخت‌ها از جمله آب و حامل‌های انرژی
- به منظور بهبود در فرآیند نقل و انتقال دارایی‌ها دولت اقدامات زیر را انجام دهد:
 - بهبود دسترسی به اطلاعات در خصوص مالکان دارایی‌ها از طریق گسترش و ارتقای سامانه ثبت دارایی‌ها به ویژه زمین و ساختمان و امکان اخذ استعلام در مورد هویت مالکان آن‌ها در زمان محدود
 - تعیین قواعد مشخص و سنجش‌پذیر برای ارزیابی ارزش دارایی‌ها به عنوان وثیقه
 - انتشار عمومی موارد مورد اختلاف در خصوص مالکیت دارایی‌ها به منظور افزایش شفافیت و بهبود در گردش اطلاعات
- به منظور بهبود در محیط حقوقی دسترسی به اعتبار، دولت اقدامات زیر را انجام دهد:
 - ایجاد نظام واحد ثبت وثایق قابل انتقال
 - ارائه تعریف و قواعد مشخص در مورد دارایی‌هایی که امکان استفاده از آن‌ها برای وثیقه وجود دارد
 - فراهم آوردن امکان استعلام بصورت سریع و کم‌هزینه در خصوص ریسک‌های اعتباری اشخاص و بنگاه‌ها
- به منظور افزایش حمایت‌های حقوقی از سهامداران خرد دولت اقدامات زیر را ساماندهی کند:
 - امکان اطلاع از تصمیمات و اسناد داخلی شرکت برای سهامداران خرد
 - امکان بررسی معاملات تجاری و مالی شرکت‌ها با یکدیگر برای سهامداران خرد
 - امکان شکایت سهامداران خرد از هیات مدیره‌ی شرکت‌ها
 - امکان تشکیل جلسات هیات مدیره به درخواست سهامداران خرد با هدف ارتقای حاکمیت شرکتی
- به منظور بهبود در مولفه‌های کسب و کار در خصوص ارتقای نظام مالیات‌ستانی اقدامات زیر توسط دولت عملیاتی شود:

- توسعه‌ی دولت الکترونیک برای ثبت، بررسی و اعتراض به اسناد مالیاتی
- تعیین قواعد و سازوکارهای مشخص برای بازپرداخت مالیات بر ارزش افزوده بنگاه‌ها طی حداکثر سه ماه از دریافت این مالیات توسط دولت
- جمع‌آوری مالیات‌های اخذ شده از بنگاه‌ها به منظور کاهش مدت زمان و فرآیند مورد نیاز برای اخذ مالیات
- به منظور بهبود در مولفه‌های کسب و کار در خصوص تجارت بین‌المللی دولت اقدامات زیر را انجام دهد:
 - تعیین قواعد هماهنگ با گمرک کشورهای مهم طرف تجاری ایران برای کاهش زمان و مراحل ترخیص واردات در ایران
 - توسعه‌ی دولت الکترونیک برای طی کردن مراحل مورد نیاز جهت اخذ مجوزهای مربوط به صادرات و واردات
 - به منظور بهبود در اجرای قراردادها دولت با همکاری مجلس و قوه قضائیه اقدامات زیر را ساماندهی کند:
 - به منظور کاهش مدت زمان بررسی پرونده‌های مالی و اقتصادی، برای هر یک از مراحل دادرسی، ثبت شکایت، تشکیل دادگاه، تعیین حکم، اعتراض به حکم و اجرای حکم، مدت زمان مشخص تعریف شود به طوری که مجموع فرآیند دادرسی بیشتر از یکسال نباشد.
 - به منظور بهبود در فرآیندهای مربوط به ورشکستگی اقدامات زیر عملیاتی شود:
 - با بهبود و اصلاح قانون تجارت یا تدوین قانونی جدید ذیل عنوان «قانون ورشکستگی»، هزینه‌های خروج بنگاه‌های اقتصادی تعدیل شود به طوری که زمان تعیین تکلیف برای بنگاه ورشکسته کاهش پیدا کرده و همچنین شیوه بازستانی بدهی‌های بنگاه اصلاح شده و فرآیندهای خروج بنگاه تسریع شود. این قانون ورشکستگی باید حداقل شامل دو ساختار زیر برای اعلام ورشکستگی یک بنگاه باشد:
 - ساختار اول، اعلام ورشکستگی یک بنگاه به منظور انحلال آن است که در آن اموال و دارایی‌های یک بنگاه شناسایی شود و بر اساس اولویت پرداخت، اقدام به بازپرداخت بدهی‌های بنگاه شود.
 - ساختار دوم، اعلام ورشکستگی به منظور تجدید ساختار بدهی‌های بنگاه و توافق با طلبکاران بنگاه به منظور تعیین مدت زمان مشخص برای بازپرداخت بدهی‌ها تحت یک قاعده‌ی معین و مورد توافق بر مبنای جریان درآمدی بنگاه است.

- به منظور ایجاد انگیزه برای شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی در مناطق مختلف، اعلام حداقل دستمزد به صورت منطقه‌ای باشد به طوری که میزان حداقل دستمزد هر منطقه بر مبنای هزینه‌های زندگی در همان منطقه تعیین شود.
- با هدف بهبود در محیط حقوقی رابطه‌ی کارفرما و کارگر و کاهش تورم قوانین و کاهش تفاسیر متعدد به دلیل وجود قوانین مختلف در این حوزه، پیشنهاد می‌شود در کوتاه‌مدت دولت «قانون جامع کار» را به منظور تجمیع و بهبود شفافیت قوانین فعلی تدوین کرده و فرآیندهای لازم برای اجرای قانون کار در مراجع حل اختلاف را طراحی کند.
- قوانین و ضمانت‌های اجرایی برای حمایت از مالکیت معنوی تدوین و اجرایی شود.
- به منظور تفکیک اصل داور از مجری، امکان مقررات‌گذاری توسط نهادهای عمومی برای بخش‌هایی که خود ذی‌نفع هستند سلب شود.^[۸]
- به منظور افزایش کارایی در نظام دادرسی، فرآیند دادرسی از طریق تعریف قراردادهای استاندارد برای فعالیت‌های مختلف به گونه‌ای اصلاح شود که هزینه‌های رجوع به دستگاه قضایی کاهش یابد.
- پرونده‌های اقتصادی در دادگاه‌های ویژه و تخصصی و به صورت متمرکز بررسی شود.

حکمرانی خوب

به منظور دستیابی به حکمرانی خوب به معنای اعمال قدرت در جهت مدیریت صحیح منابع اقتصادی و اجتماعی با هدف دستیابی به توسعه، قواعد حکمرانی ذیل شش مولفه‌ی حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت تنظیم‌گری، پاسخگویی و شفافیت، پایداری سیاسی و نبود خشونت، و کارایی حاکمیت، باید بهبود یابد.

حاکمیت قانون به معنای اداره‌ی جامعه بر مبنای قواعد مشخص و پیش‌بینی‌پذیر به ویژه در زمینه کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، فرآیند دادرسی و نظام انتظامی یک کشور است. کنترل فساد به معنای جلوگیری از به کارگیری قدرت اداری برای نفع شخصی است. کیفیت تنظیم‌گری به توانایی حاکمیت در طراحی و اجرای قواعد مناسب و پیش‌بینی‌پذیر برای فعالیت بخش خصوصی و رشد آن اشاره دارد. پاسخگویی و شفافیت به معنای آزادی بیان، وجود رسانه‌های آزاد، و توانایی شهروندان در به چالش کشیدن مسئولان حکومت، و موظف بودن مسئولان به پاسخگویی است. پایداری سیاسی و نبود خشونت به معنای عدم وقوع کودتا، انقلاب و آشوب‌های سیاسی و خشونت‌های ناشی از تحولات سیاسی است. کارایی حاکمیت به معنای کیفیت ارائه خدمات عمومی و اداری، میزان استقلال از فشارهای سیاسی، کیفیت طراحی و اجرای خدمات و میزان تعهد دولت به سیاست‌های اعلام شده است. این مولفه‌ها در ارتباط با یکدیگر مجموعه شرایط لازم و کافی برای حکمرانی خوب را شکل می‌دهد. لازم به توجه است که توفیق حکومت در بهبود حکمرانی ذیل مولفه‌های فوق، منوط به افزایش سرمایه اجتماعی است که متأسفانه در سال‌های گذشته دچار فرسایش قابل ملاحظه‌ای شده است. البته، هرچه که کیفیت حکمرانی بهبود یابد خود در ارتقای سرمایه اجتماعی نیز موثر است.

در شرایط کنونی، مسأله‌ی فساد یکی از مهم‌ترین چالش‌های دستیابی به حکمرانی خوب در اقتصاد ایران است. بدون در اولویت قرار گرفتن این مسأله در سطح حاکمیت، و بدون ایجاد اعتماد اجتماعی، امکان مبارزه با آن وجود نخواهد داشت. شرط لازم دیگر برای حل مسأله فساد، فسادزدایی در نهادهای مرتبط با پایش و پی‌گیری فساد، بویژه دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور، نیروی انتظامی و قوه قضائیه است. این نهادها باید بطور خاص با افزایش شفافیت، خود را در برابر ابتلا به آلودگی‌های ناشی از فساد مصون سازند.

و نهایتاً اینکه اولویت اصلی در مبارزه با فساد مقابله با زمینه‌های فسادزا است. از این رو تدوین سازوکارهای مناسب به منظور حل موقعیت تعارض منافع از اولویت‌های اصلی در مبارزه با فساد محسوب می‌شود. با توجه به توضیحات فوق به منظور کنترل فساد به عنوان یکی از اولویت‌های تحقق حکمرانی خوب و همچنین برای بهبود در سایر مولفه‌های حکمرانی موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- دولت، کوچک‌سازی خود و واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی، مقررات‌زدایی، و توسعه دولت الکترونیک به منظور کاستن از نیاز به ارتباطات چهره به چهره را بعنوان مهمترین الزامات کاهش فساد، در اولویت قرار دهد.
- به منظور کاهش رشوه‌دهی در نظام مالیاتی، مکانیزه شدن فرآیندهای تشخیص مالیات و حرکت به سمت نظام ارایه اظهارنامه از سوی مودی و حذف رابطه مستقیم مودی و مامور مالیاتی در اولویت قرار گیرد. همچنین با در نظر گرفتن مشوق‌های مالیاتی و غیرمالیاتی از جمله مرتبط کردن میزان تسهیلات قابل دریافت به درآمدهای اظهار شده در نظام مالیاتی، مؤدیان به ارائه اظهارنامه مناسب تشویق گردند. بخشی از دستمزد مأموران مالیاتی نیز به میزان فرار مالیاتی کشف‌شده توسط آنان بستگی داشته باشد.
- بانک مرکزی با تقویت نقش نظارتی خود ایجاد شفافیت در ترازنامه بانک‌ها و گزارش‌دهی ترازنامه بانک‌ها با استفاده از استانداردهای مرسوم گزارش‌دهی را پیگیری نماید.
- از آنجا که یکی از مفاسد مهم گریبانگیر نظام بانکی موضوع نفوذ سیاسی در اعطای تسهیلات است دولت از طریق خصوصی‌سازی کامل بانک‌های خصولتی، تدوین و اجرای ضوابط مربوط به رعایت استقلال حرفه‌ای در مدیریت بانک-های دولتی، و الزام بانک‌های تحت مدیریت دولت به انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات بزرگ، در جهت پیشگیری از این مفسده حرکت کند.
- با هدف ایجاد شفافیت در دسترسی به تسهیلات بانکی، اطلاعات تفصیلی مربوط به دریافت‌کنندگان تسهیلات بیشتر از یک میلیارد تومان به صورت عمومی انتشار یابد. آستانه‌ی تعریف شده برای انتشار عمومی اطلاعات، سالانه بر اساس نرخ تورم تعدیل گردد.
- به منظور کاهش فساد و افزایش شفافیت، نظام چندگانه نرخ ارز به نظام تک‌نرخ تبدیل شود.

- به منظور ایجاد شفافیت در نظام تعرفه‌ای، طبقات تعرفه‌ای به حداقل ممکن تقلیل یابد و به طور خاص پراکندگی تعرفه‌ای بین کالاهای مشابه کاهش پیدا کند.
- پدیده قاچاق در اقتصاد کشور که به دلیل وجود نظام تعرفه‌ای گسترده با نرخ‌های قابل توجه و همچنین عدم شفافیت در مبادی گمرکی کشور شکل گرفته است، در کوتاه‌مدت از طریق ایجاد شفافیت در مبادی گمرکی، پیاده‌سازی ارکان قرارداد تسهیل در تجارت (TFA) در نظام گمرکی و در بلندمدت از طریق اصلاح سیاست‌های تجاری و به طور مشخص کاهش در میانگین تعرفه، کنترل شود.
- به منظور افزایش شفافیت در معاملات بخش عمومی اقدامات زیر صورت بگیرد:
 - با استفاده از ظرفیت ماده ۲۷ قانون برگزاری مناقصات^[۹]، روش‌هایی مانند نظام تأیید صلاحیت یا انتخاب بر پایه کیفیت (یا ارزش) یا انتخاب بر اساس مذاکره در صورت تصویب ترک تشریفات توسط هیات سه نفره، به کار گرفته شود. به علاوه، هیئت وزیران با استفاده از اختیارات اصل ۱۳۸ قانون اساسی^[۱۰] ضوابط اجرای این ماده را تصویب کند.
 - در افق زمانی میان‌مدت، قانون مناقصات ایران با هدف ایجاد شفافیت، سادگی و رفع اشکالات فنی فعلی به منظور بهبود در کارایی اجرای آن و ذیل محورهای تعیین دامنه موضوعی قانون برگزاری مناقصات، تعیین دامنه دستگاه‌های تحت شمول، تعیین اصول مربوط به تفسیر و تدوین قانون برای دوره پس از انعقاد قرارداد مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرد. به علاوه در قانون مناقصات مساله ذی‌نفع واحد بودن نهادهای زیرمجموعه دستگاه‌های دولتی و عدم امکان مشارکت آن‌ها در مناقصات در صورت وجود بخش خصوصی مد نظر قرار گیرد.
 - به منظور ایجاد شفافیت در معاملات بخش عمومی، آئین‌نامه‌ی اجرایی ماده ۹ قانون برنامه ششم توسعه^[۱۱] مشتمل بر ایجاد سامانه الکترونیکی اجرای تمامی مراحل معاملات متوسط و بزرگ دستگاه‌های مشمول قانون برگزاری مناقصات، تدوین و اجرایی شود به طوری که تمامی شرکت‌کنندگان در معاملات بخش عمومی، صورت‌های مالی، پیشنهادهای ارائه شده توسط آن‌ها و نتایج حاصل شده از برگزاری معاملات در بخش عمومی در دسترس عموم قرار گیرد.

○ کلیه معاملات دولتی در یک سایت اینترنتی منتشر گردد بگونه‌ای که برای همگان به سادگی قابل دسترس باشد.

● به منظور حل موقعیت تعارض منافع ناشی از جابه‌جایی مدیران ارشد حکومتی و بخش بنگاه‌داری کشور (اعم از بخش دولتی، خصوصی یا نهادهای عمومی غیردولتی) قانونی مشتمل بر نظام رتبه‌بندی مقامات حکومتی و قواعدی ناظر بر چگونگی حل موقعیت تضاد منافع تدوین گردد به طوری که بر اساس این قانون بتوان اقدامات زیر را سامان‌دهی کرد:

○ مقامات حکومتی (شامل قوای سه‌گانه) از یک رتبه مشخص به بالاتر موظف به ثبت دارایی‌ها و درآمدها در پایان هر سال در سامانه ثبت دارایی‌ها و درآمدهای مقامات حکومتی باشند. به علاوه مقامات سیاسی با بالاترین رتبه ملزم به انتشار دارایی‌ها و درآمدهای خود در رسانه‌های عمومی کشور شوند.

○ مقامات حکومتی (شامل قوای سه‌گانه) از یک رتبه مشخص به بالاتر پس از ترک شغل خود به مدت دو سال از استخدام در شرکت‌های خصوصی انتفاعی که با حوزه خدماتی شغل حاکمیتی آن مامور در ارتباط است، محروم شوند.

○ در صورت برکناری مقامات حکومتی به خاطر دست داشتن در فساد با محدودیت ۷ ساله برای استخدام در سازمان‌های حکومتی و همچنین بخش بنگاه‌داری کشور (اعم از بخش دولتی، خصوصی یا نهادهای عمومی غیردولتی) مرتبط با حوزه شغلی قبل از برکناری، مواجه شوند.

○ سیستم واگذاری مدیریت سهام به کارگزاران ناشناس علاوه بر سیستم ثبت و افشای دارایی‌ها به منظور تکلیف مقامات حکومتی برای واگذاری سهام به کارگزاران ناشناس ایجاد شود^[۱۲]

○ قانون تدوین شده باید شامل راهنمای مشخصی برای رفتار مقامات و کارمندان حکومتی در موقعیت‌هایی که واجد ویژگی تعارض منافع هستند، باشد. به طوری که هنگامی یک مقام حکومتی به زیردست خود دستوراتی می‌دهد که ممکن است مانع از عملکرد درست آنها در انجام وظایفشان باشد، مامور زیردست باید از پوشش و حمایت‌های حقوقی لازم برای سرباز زدن از دستورات مقام بالادست، برخوردار گردد.

- به منظور ایجاد نظارت همگانی در مبارزه با فساد، لایحه حمایت از افراد گزارش‌دهنده‌ی فساد شامل حمایت حقوقی و پاداش اقتصادی و سامانه‌ی گزارش‌دهی کشف فساد^{۱۲} تدوین و تصویب شود.
- قوای سه‌گانه زمینه‌های حقوقی لازم برای سنجش فساد در ابعاد مختلف آن توسط نهادهای مستقل را فراهم کنند. به طور مشخص قوانین دسترسی به منابع اطلاعاتی تدوین گردد.
- با همکاری قوای سه‌گانه و با هدف ایجاد شفافیت و نظارت عمومی، فرآیند حسابرسی و گزارش‌گیری ادواری از تمام نهادهای حاکمیتی به ویژه سازمان‌های اقتصادی وابسته تعریف شود و گزارش‌های حسابرسی جهت اطلاع عموم منتشر گردد.
- به منظور بهبود در اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، سوابق مربوط به درخواست‌های شهروندان از دستگاه‌های اجرایی مبنی بر ارائه اطلاعات و عملکرد دستگاه‌های اجرایی در پاسخ به درخواست‌های شهروندان به صورت عمومی در سامانه مربوطه در اختیار عموم مردم قرار گیرد.^[۱۳]
- با هدف ایجاد شفافیت در مورد چرخه‌های تصمیم‌گیری اقتصادی تمامی صورت جلسات مربوط به قوای سه‌گانه که جنبه‌ی طبقه‌بندی شده ندارند در اختیار عموم شهروندان قرار گیرد. مصادیق مربوط به موارد طبقه‌بندی شده باید به صورت شفاف بیان شود. به علاوه یک برنامه زمانی مشخص همراه با سازوکار مشخص و سنجش‌پذیر برای خارج شدن این جلسات از طبقه‌بندی و انتشار عمومی آن تدوین گردد.
- موارد مربوط به فساد اقتصادی در دادگاه‌های ویژه و به صورت علنی بررسی شود.

¹² Whistle Blowing

اصلاحات در نظام تامین اجتماعی^{۱۳}

به منظور بهبود نظام انگیزشی در تولید ضرورت دارد که اصلاحات در نظام تامین اجتماعی با رعایت ملاک‌های شفافیت، سادگی و رعایت اصل سه جانبه‌گرایی در تامین هزینه‌های تامین اجتماعی و رسیدگی به اختلافات صورت گیرد. شفاف نبودن برخی از قوانین و مقررات و در برخی موارد تفاسیر مختلف از یک قانون، مصوبه، بخشنامه و دستور اداری، مشخص نبودن فرایندهای اداری و در عین حال تعدد مراحل و طولانی بودن آنها، باعث بروز اختلاف و تحمیل هزینه‌های اقتصادی و غیراقتصادی به کارفرمایان شده است. هم‌چنین تعدد و پیچیدگی قوانین مربوط به رابطه کارفرما و کارگر امکان تفاسیر متعدد از قوانین و هم‌چنین اطلاع فرآیند دادرسی را سبب شده است. به علاوه در میزان پرداخت حق بیمه و هم‌چنین در نحوه رسیدگی به شکایات اصل سه جانبه‌گرایی رعایت نشده است به طوری که هزینه اصلی در فرآیند دادرسی و هم‌چنین بار مالی پرداخت حق بیمه به عهده کارفرما است. همین امر سبب شده است تا مشکلات مربوط به نظام تامین اجتماعی همواره از جمله موانع مهم در بهبود محیط کسب و کار از منظر فعالان اقتصادی محسوب شود. دولتی بودن نظام تامین اجتماعی و مصوبات متعدد دولت و مجلس که هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای هم بر صندوق‌های تامین اجتماعی و هم بر کارفرمایان تحمیل می‌کند مشکلات فوق را تشدید نموده است. از این رو به منظور بهبود در نظام تامین اجتماعی اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

- با صدور اجازه شکل‌گیری صندوق‌های تامین اجتماعی از سوی بخش خصوصی، ساختار نظام تامین اجتماعی از شکل انحصار دولتی، خارج و به سمت شرایط رقابتی سوق داده شود.
- به منظور صیانت از منابع تامین اجتماعی و کاهش مداخلات دولت در استفاده از منابع سازمان تامین اجتماعی، اداره‌ی تامین اجتماعی به صورت سه جانبه و ایفای نقش پررنگ کارفرما و کارگران صورت گیرد. دولت و مجلس شورای اسلامی از صدور مصوبات یک‌جانبه و هزینه‌زا منع گردند.

^{۱۳} از آنجا که موضوع اصلاحات در صندوق‌های بازنشستگی، بسیار گسترده بوده و ضمناً بطور مستقیم به رابطه بخش خصوصی و دولت مربوط نمی‌شود، خارج از چارچوب مانیفست حاضر تلقی شده و لذا در این سرفصل بدان پرداخته نشده است. این سرفصل، صرفاً به موارد مربوط به رابطه کارفرما و دولت در زمینه بیمه تامین اجتماعی محدود شده است.

- با هدف کاهش تکالیف بر سازمان تامین اجتماعی، هر گونه تعهد جدید برای سازمان تامین اجتماعی صرفاً با در نظر گرفتن تامین منابع پایدار برای آن ایجاد شود.
- قوانین، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های چگونگی رسیدگی به شکایات متقابل کارفرمایان و کارگران به گونه‌ای اصلاح گردد که امکان تفاسیر متعدد توسط مراجع قضایی یا بازرسان سلب شود و قواعد یکسان و مشابهی برای تقسیط بدهی‌های کارفرمایان، تخفیف آن‌ها و معافیت‌ها وضع گردد.
- به منظور کاهش هزینه‌های تولید و بهبود در نظام انگیزشی و همچنین رعایت اصل سه جانبه‌گرایی، میزان نرخ حق بیمه سهم کارفرما کاهش پیدا کند.
- میزان مشارکت کارفرما در حق بیمه پرداختی به صورت طبقاتی تعریف شود، به طوری که با افزایش در حقوق و دستمزد دریافتی هر فرد، میزان مشارکت کارفرما در حق بیمه پرداختی کاهش پیدا کرده یا فراتر از یک آستانه‌ی مشخص، میزان مشارکت کارفرما صفر باشد.
- با توجه به بالاتر بودن حق بیمه سهم کارفرما در مشاغل سخت و زیان‌آور و عدم تعریف مشخص و سنجش‌پذیر در مورد این نوع از مشاغل، در مورد تعریف و شمول این مشاغل بازنگری صورت گیرد.
- به منظور کاهش هزینه‌های مربوط به بیمه‌های تامین اجتماعی، تعداد دفعات پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی از پرداخت ماهانه به پرداخت در هر دو ماه یکبار اصلاح شود.
- ترکیب هیات‌های تشخیص مطالبات با رعایت اصل سه جانبه‌گرایی اصلاح گردد به طوری که بررسی شکایات کارفرما از سازمان تامین اجتماعی توسط قاضی بی‌طرف صورت پذیرد.
- به منظور تسهیل در فرایند رسیدگی به اختلافات با تعریف قراردادهای استاندارد، امکان حل و فصل اختلافات بدون رجوع به مراجع دادرسی فراهم گردد.
- با توسعه دولت الکترونیک، بررسی پرونده‌های تامین اجتماعی با مراجعه حداقلی کارفرما و کارگر صورت گیرد. به علاوه به منظور ارتقای شفافیت، فرآیند بررسی پرونده‌های تامین اجتماعی به صورت سالانه انجام شود.

بخش دوم: کلان و مالی

برونگرایی و سیاست تجاری

طی چند دهه‌ی گذشته، تلاطم‌های شدید در روابط سیاسی-اقتصادی ایران با دنیا به عنوان مهم‌ترین نااطمینانی در حوزه‌ی کسب و کار، فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران را تحت تاثیر قرار داده است. در همین دوران، کشورهای مختلف با تعریف نقشی مشخص از خود در اقتصاد جهانی و تعیین چشم‌انداز برای آن، پتانسیل‌های داخلی را از طریق اتصال به بازارهای محصول، بازارهای تکنولوژی و بازارهای مالی در دنیا به فعلیت درآورده و توانسته‌اند دستاوردهای مهمی در دستیابی به رشدهای بالای اقتصادی و کاهش قابل توجه فقر ثبت کنند.

دولت ایران نیز باید به دنبال ایجاد تعامل پایدار و متوازن با کشورهای مختلف دنیا باشد. تعامل پایدار به معنای ایجاد روابط اقتصادی و سیاسی بلندمدت است به گونه‌ای که دسترسی باثبات به بازارهای صادراتی، تکنولوژی و تامین مالی خارجی را با کمترین هزینه به همراه داشته باشد و شرایط را برای اتصال بنگاه‌های اقتصادی کشور به زنجیره ارزش جهانی تسهیل کند. تعامل متوازن به معنای رابطه اقتصادی و تجاری برد-برد از طریق صادرات غیرنفتی از ایران و واردات از طرف‌های تجاری است. به علاوه با توجه به کاهش قابل توجه هزینه‌های تعرفه‌ای در دنیا طی دو دهه‌ی گذشته و تمرکز بر کاهش هزینه‌های غیرتعرفه‌ای طی سال‌های اخیر، سیاست‌گذاری در جهت کاهش این موانع از الزامات موجود برای رشد تجارت خارجی با کشورهای مختلف دنیا است. کاهش هزینه‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای با افزایش رقابت امکان ارتقای بهره‌وری بنگاه‌های داخلی برای رقابت با بنگاه‌های خارجی را فراهم می‌کند. لازم به تاکید است تا زمانی که در نتیجه تعرفه‌های بالای واردات، قیمت‌های داخلی بیشتر از قیمت‌های بین‌المللی است اقتصاد ایران صادرات‌گرا نخواهد شد چرا که تولیدکننده داخلی انگیزه چندانی برای صادرات نخواهد داشت.

طی چهار دهه‌ی گذشته، ایران روابط فعال اقتصادی با کشورهای دنیا نداشته و این شرایط سبب تبدیل اقتصاد ایران، به اقتصادی درونگرا شده و اعمال تحریم‌های اقتصادی در یک دهه‌ی گذشته نیز درونگرایی اقتصاد ایران را تشدید کرده است. این شرایط سبب شده که اکنون مسائل مربوط به روابط اقتصادی کشور با دنیا به صورت جزیره‌ای و پراکنده در سازمان‌ها و

نهادهای مختلف اقتصادی کشور در حال پیگیری است. با توجه به این شرایط برای تحقق برونگرایی اقدامات زیر باید انجام گیرد:

- از طریق بازآرایی روابط سازمانی و ایجاد تمرکز، همکاری بین نهادهایی که متولی امر برونگرایی در اقتصاد هستند بویژه سازمان توسعه تجارت، سازمان سرمایه‌گذاری خارجی و سازمان مناطق آزاد کشور ارتقا یابد بگونه‌ای که این نهادها سیاست‌های هماهنگ و یکپارچه‌ای را در جهت تقویت سرمایه‌گذاری خارجی به منظور توسعه صادرات تدوین و اجرا نمایند.
- دولت، جغرافیای تعامل اقتصادی ایران با کشورهای مختلف را تعیین کند تا تکلیف بخش خصوصی برای ایجاد روابط بلندمدت و باثبات اقتصادی با کشورهای دیگر روشن گردد. تعیین جغرافیای تعاملات اقتصادی نیازمند تعریف جغرافیای تعاملات سیاسی پایدار و بلندمدت است. این جغرافیای تعامل باید از گستردگی کافی برخوردار باشد به گونه‌ای که امکان بهره‌گیری بیشتر از مزیت‌های رقابتی اقتصاد ایران را فراهم سازد و حداقل شامل کشورهایی باشد که از نظر رشد اقتصادی یا درآمد سرانه وضعیت نسبی بهتری دارند.
- جغرافیای تعامل اقتصادی ایران در مرحله اول شامل کشورهایی باشد که رابطه‌ی سیاسی ایران با این کشورها به گونه‌ای است که می‌توان چشم‌انداز بلندمدتی از روابط پایدار را ترسیم کرد.
- دولت از طریق بهبود در سیاست‌های پولی، مالی و ارزی و ایجاد همگرایی در ثبات اقتصاد کلان بین ایران و کشورهای منطقه، به سوی ایجاد بازار مشترک با همسایگان حرکت کند. در مرحله بعد و با بهبود در روابط سیاسی، این بازار می‌تواند با پیوستن کشورهای بیشتری در منطقه به آن، گسترش یابد. بعنوان گام اول در مسیر ایجاد بازار واحد در منطقه، دولت باید از طریق پیمان‌های تجاری دو یا چند جانبه نسبت به کاهش تعرفه‌های تجاری بین کشوری اقدام نماید.^[۱۴]
- عضویت در سازمان تجارت جهانی به منظور مشارکت در استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بازار جهانی و همچنین به عنوان نشانه‌ای از تعهد ایران به پایبندی به قواعد اقتصادی متعارف در دنیا با جدیت پیگیری شود.
- همزمان با تلاش برای فراهم‌سازی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی از طریق اصلاح سیاست‌های تجاری و کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و ایجاد پنجره واحد، انعقاد قراردادهای دو یا چند جانبه تجاری با سایر کشورها پیگیری گردد.

- به منظور به‌روزرسانی نظام گمرکی در ایران مطابق با استانداردهای جهانی، ایران پیاده‌سازی ارکان قرارداد تسهیل در تجارت^{۱۴} (TFA) را در قراردادهای تجاری با سایر کشورها اجرایی کند.^[۱۵]
- استراتژی توسعه صادرات پیگیری شود و ترکیب صادرات کشور از صادرات مواد خام یا کالاهای با ارزش افزوده اندک، از طریق اتصال به زنجیره ارزش جهانی، به صادرات با ارزش افزوده بالا تغییر کند.
- اتصال بنگاه‌های ایرانی به زنجیره ارزش جهانی^{۱۵} (GVC) از طریق سه گام ورود به زنجیره ارزش جهانی، توسعه جایگاه ایران در زنجیره ارزش و تبدیل مشارکت در زنجیره ارزش جهانی به توسعه پایدار پیگیری شود. ورود به زنجیره ارزش جهانی می‌تواند از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی یا تسهیل اتصال بنگاه‌های کشور به زنجیره ارزش جهانی صورت پذیرد. مناطق ویژه صادراتی و همچنین قواعد مناسب جذب سرمایه‌گذاری خارجی مانند پایین بودن هزینه ورود سرمایه و رقابت‌پذیری تولید در کشور در مقایسه با کشورهای دیگر نقش مهمی در اجرای گام اول دارند.
- دولت، راهبرد جذب سرمایه‌گذاری خارجی که در آن بطور شفاف، مرزهای حضور سرمایه‌گذاران خارجی و میزان مجاز حضور آنان در بخش‌های مختلف اقتصاد بر اساس اولویت‌های منافع ملی و ملاحظات امنیتی تعریف شده را تدوین و اعلام کند.
- با توجه به ابعاد ریسک‌های سیاسی کشور، صندوق توسعه ملی از طریق به کارگیری سازه‌های مالی، امکانی برای پوشش ریسک سیاسی در جذب سرمایه‌گذار خارجی فراهم کند. صندوق توسعه ملی از طریق استفاده از ظرفیت‌های تعریف شده در اساسنامه برای حضور در بازارهای پولی و مالی خارجی، بخشی از منابع خود را به خرید اوراق بهادار بین‌المللی با نقدشوندگی بالا اختصاص داده و این اوراق را برای ضمانت پوشش ریسک‌های مشخص به کار گیرد.
- با اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های موجود، قواعد حکمرانی مناطق آزاد کشور اصلاح شود به طوری که مطابق با الگوهای موفق تجربه شده در دنیا، این مناطق به مناطقی کاملاً متمایز از سرزمین اصلی تبدیل شده و امکان جذب سرمایه خارجی با رویکرد صادرات محور در این مناطق فراهم گردد.^[۱۶]

¹⁴ Trade Facilitation Agreement (TFA)

¹⁵ Global Value Chain (GVC)

- با هدف جلوگیری از لابی صنایع با نهادهای تعرفه‌گذار و محدود نمودن درخواست صنایع به بررسی موارد تجارت غیرمنصفانه، یک نهاد مستقل غیردولتی برای تصمیم‌گیری در مورد مصادیق تجارت غیرمنصفانه ایجاد گردد.

سیاست ارزی

با توجه به ابعاد بزرگ درآمدهای ارزی دولت ناشی از صادرات نفت خام تا زمانی که سهم این منابع از کل درآمدهای ارزی قابل توجه است سیاست ارزی موضوعیت داشته و نقش آن در تعیین نرخ ارز کلیدی است.

سیاست ارزی باید سه هدف حفظ رقابت‌پذیری کالاها و خدمات قابل تجارت، جلوگیری از جهش ناگهانی نرخ ارز و کاهش عدم قطعیت‌های ناشی از نوسانات ارز را پیگیری کند. وجود تورم بیشتر نسبت به کشورهای طرف تجاری ایران در کنار ثبات نسبی در نرخ ارز اسمی، کاهش نرخ ارز حقیقی و افزایش تقاضا برای واردات کشور را طی سالهای گذشته به همراه داشته است. پس از دوره‌ای از ثبات نرخ ارز اسمی که از طریق منابع حاصل از صادرات نفت خام حمایت شده، به دنبال کاهش قیمت نفت خام یا دشواری در دسترسی به منابع ارزی، نرخ ارز با جهش‌های ناگهانی مواجه شده و این چرخه مرتباً در اقتصاد ایران تکرار شده است. این شرایط، عدم قطعیت اقتصادی در کشور در افق میان‌مدت را افزایش داده و عموماً واکنش‌های سیاسی و امنیتی حکومت را در پاسخ به جهش ارزی به دنبال داشته است. این در حالی است که جهش ارزی ماهیتاً مساله‌ای اقتصادی است و حتی اگر در ابتدا شوک‌های سیاسی منجر به جهش ارزی شود، آنچه نهایتاً اندازه‌ی جهش ارزی را مشخص می‌کند، وضعیت متغیرهای اقتصادی است. از این رو غلبه واکنش‌های سیاسی و امنیتی به افزایش در نرخ ارز صرفاً ناکارایی‌های اقتصادی را تشدید می‌کند. با توجه به ملاحظات فوق، چارچوب زیر برای طراحی و هدایت سیاست ارزی پیشنهاد می‌شود:

- بانک مرکزی نحوه‌ی تعیین نرخ ارز را طبق رابطه‌ای مشخص و شفاف با هدف تثبیت نرخ ارز حقیقی سیاست‌گذاری و اعلام کند به گونه‌ای که در عین حفظ و ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد ایران پیش‌بینی‌پذیری نرخ ارز را امکان‌پذیر نماید. استقلال بانک مرکزی از فشارهای سیاسی دولت و سایر نهادهای حاکمیت در هدایت سیاست ارزی، شرط لازم توفیق چنین سیاستی است.

- سیاست پیشنهادی می‌تواند به صورت اعلام کریدور بازار ارز در دوره‌های کوتاه‌مدت با در نظر گرفتن حداقل و حداکثر میزان نرخ ارز طی دوره مذکور باشد. تعیین بازه‌ی نوسانات نرخ ارز به منظور جلوگیری از تغییرات شدید بازار به دلیل تکانه‌های موقت و هدایت حرکت نرخ ارز متناسب با متغیرهای بنیادی اقتصاد چون تولید، بهره‌وری و تورم و با هدف

تثبیت نرخ ارز حقیقی صورت می‌گیرد. سیاست بانک مرکزی باید به گونه‌ای باشد که نوسانات نرخ ارز در داخل کریدور، مجاز باشد ولی در صورت انحراف از آستانه‌های تعریف شده برای کریدور از طریق اعمال روش‌های بازار-محور نرخ ارز به داخل کریدور هدایت شود. با اعمال این سیاست نرخ ارز در داخل کریدور با ثبات بوده و میزان ورود منابع ارزی به اقتصاد متناسب با نرخ ارز در محدوده‌ی کریدور خواهد بود. در صورت شکل‌گیری مازاد ارزی، این مازاد توسط بانک مرکزی برای کنترل شوک‌های آتی ذخیره خواهد شد (یا اگر مازاد منابع متعلق به صندوق توسعه ملی باشد توسط این صندوق در خارج از کشور سرمایه‌گذاری می‌گردد).

- با توجه به ابعاد بزرگ منابع ارزی که سالانه به صندوق توسعه ملی وارد می‌شود، صندوق توسعه ملی موظف شود عملیات ارزی خود را با سیاست‌های ارزی بانک مرکزی هماهنگ نماید به این معنا که میزان ارزی که سالانه از سوی صندوق به اقتصاد تزریق می‌شود در چارچوب سیاست‌های کلی ارزی - با هدف تثبیت نرخ ارز حقیقی - تعیین گردد.
- به منظور مصون‌سازی بازار ارز از وقوع شوک‌های ارزی و جلوگیری از رفتار سوداگرانه در بازار ارز، بانک مرکزی بر روی ذخایر ارزی خود هدف‌گذاری کند، به طوری که میزان منابع ارزی بانک مرکزی همواره از آستانه تعریف شده برای مقابله با شوک‌های ارزی بیشتر باشد و همواره سهم مشخصی از منابع ارزی حاصل از صادرات نفت توسط بانک مرکزی ذخیره شود. اعلام رسمی این موضوع که بانک مرکزی هیچ‌گاه اجازه کاهش ذخایر ارزی را از میزان مشخص نخواهد داد، به کنترل رفتارهای سوداگرانه و ثبات نرخ ارز کمک خواهد کرد.
- بانک مرکزی موظف شود گزارش بدهی‌های خارجی کشور اعم از فاینانس، خط اعتباری و سایر انواع روش‌های تامین مالی خارجی که توسط فعالان اقتصادی اعم از دولتی، غیر دولتی و بانکی ایجاد شده است را همراه با گزارش تحلیل پایداری بخش خارجی^{۱۶} هر شش ماه یک بار به مجلس شورای اسلامی ارایه کند و در مورد ریسک‌های بازپرداخت بدهی‌های خارجی توضیح دهد تا با اطلاع و نظارت مستمر مجلس، کشور در معرض بحران بدهی‌های خارجی قرار نگیرد.
- بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار ابزارهای مدیریت ریسک ارز را معرفی و اجرایی کنند. به طور مشخص، بازار آتی ارز راه‌اندازی شود.

- به منظور جلوگیری از فساد و همچنین ارتقای شفافیت و کارایی اقتصادی، یکسان‌سازی نرخ ارز انجام شود.^{۱۷}

^{۱۷} ممکن است اجرای سیاست ارزی پیشنهادی، یکسان‌سازی نرخ ارز و راه‌اندازی بازار آتی ارز به بعد از رفع التهابات مربوط به خروج آمریکا از برجام موکول گردد.

نظام مالیاتی

قواعد مالیات‌ستانی در کشور باید از پنج ویژگی خنثی بودن^{۱۸}، سادگی^{۱۹}، عدالت^{۲۰}، پوشایی و پایداری^{۲۱} برخوردار باشد. خنثی بودن نظام مالیاتی با عدم تبعیض بین فعالیت‌های مختلف اقتصادی اختلال کمتری در انگیزه آحاد اقتصادی ایجاد می‌کند؛ سادگی نظام مالیاتی با افزایش شفافیت، کاهش فرار مالیاتی را سبب شده و هزینه‌های سربار تمکین مودیان و اجرای نظام مالیات‌ستانی را کاهش می‌دهد؛ عدالت مالیاتی مانع از تبعیض در اعمال سیاست مالیاتی بین شهروندان می‌شود؛ پوشایی نظام مالیاتی پوشش حداکثری پایه مالیاتی را ایجاد می‌کند؛ و پایداری نظام مالیاتی، با افزایش پیش‌بینی‌پذیری نسبت به قواعد و قوانین نظام مالیاتی عدم قطعیت‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد. با توجه به شرایط فعلی نظام مالیات‌ستانی در ایران اجرای قواعد زیر می‌تواند حرکت به سمت نظام مالیات‌ستانی بهینه را سبب شود:

- به منظور کاهش اختلال در نظام تولید کشور و تحقق معیارهای سادگی و خنثی بودن، مالیات بر مصرف (یا مالیات بر ارزش افزوده) و مالیات بر مجموع درآمد که گستردگی بیشتری در بین آحاد اقتصادی دارند، پایه اصلی نظام مالیاتی قرار گیرند.
- مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر مشاغل و مالیات بر واردات به جای ابزار درآمدی دولت، به عنوان ابزار سیاست‌گذاری دولت برای کاهش فرار مالیاتی و اجرای سیاست تجاری مورد استفاده قرار گیرند. از این رو، نرخ این مالیات‌ها، در محدوده‌ی مقادیر استاندارد^[۱۷] تعدیل گردد.^[۱۸] آستانه‌ی معافیت مالیاتی شرکت‌ها و مالیات بر مشاغل به منظور حمایت از واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط افزایش یابد و این آستانه به صورت سالانه با تورم تعدیل گردد.
- دولت با استفاده از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات از جمله اجرای طرح صندوق مکانیزه فروش، فرآیندهای وصول مالیات به ویژه مالیات بر ارزش افزوده را تسهیل کند.

¹⁸ Neutrality

¹⁹ Simplicity

²⁰ Equity

²¹ Stability

- بر بازدهی سرمایه،^{۲۲} شامل آنچه که در مجموعه بازارهای سرمایه بویژه بازار سهام، ارزشهای خارجی، سپرده‌های بانکی و همچنین املاک و مستغلات سرمایه‌گذاری شده، مالیات وضع گردد بگونه‌ای که بخشی از سود ناشی از تغییر ارزش این دارایی‌ها به عنوان مالیات بر بازدهی سرمایه از سرمایه‌گذاران اخذ گردد.
- با توجه به سهم بالای املاک و مستغلات در دارایی افراد، در یک افق چهار ساله و با همکاری با شهرداری‌ها، مالیات بر املاک و مستغلات وضع گردد.
- به منظور ایجاد شفافیت در چگونگی هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی و افزایش انگیزه مودیان مالیاتی برای پرداخت مالیات، درآمدهای حاصل شده از منابع جدید مالیاتی، به مخارج مشخص و تعریف شده اختصاص یابند به طوری که امکان نظارت عمومی بر چگونگی هزینه‌کرد این درآمدهای جدید وجود داشته باشد.
- به منظور بهبود در انگیزه مودیان مالیاتی منضبط و افزایش پایداری و تحقق عدالت در نظام مالیات‌ستانی، اولویت دولت در افزایش درآمدهای مالیاتی به جای افزایش در نرخ مالیات بر بهبود پوشش نظام مالیاتی متمرکز گردد.
- در افق بلندمدت با توسعه دولت الکترونیک امکان حذف رابطه مودیان و ممیزان مالیاتی فراهم شود.
- نظام مالیات‌ستانی به سوی نظام مبتنی بر ارایه اظهارنامه مالیاتی از سوی مودیان حرکت کند. ضمناً برای پیشگیری از کم‌گویی و فرار مالیاتی، بررسی تصادفی اظهارنامه‌ها از سوی سازمان امور مالیاتی همراه با جریمه‌های سنگین برای متخلفان، اعمال گردد. در این راستا با ایجاد ارتباط میان پایگاه‌های داده‌ای مختلف و تکمیل و توسعه پایگاه‌های داده مورد نیاز اشراف اطلاعاتی دولت تکمیل شود.

اصلاح نظام بودجه‌ریزی و مدیریت بدهی‌های دولت

طی دهه‌های گذشته تورم بالا یکی از ویژگی‌های اقتصاد ایران بوده که به دنبال خود، بی‌ثباتی‌های گسترده‌ای به همراه داشته و این شرایط بی‌ثباتی در سطح اقتصاد کلان، امکان برنامه‌ریزی برای فعالیت و تولید را از بنگاه‌ها سلب کرده است. مهمترین عامل در ایجاد تورم‌های بالا در دهه‌های گذشته، مدیریت مالی^{۳۳}-بودجه‌ای دولت و بویژه استمرار کسری بودجه بوده است. کسری بودجه مزمن به طور عمده از تعریف رابطه‌ی مردم با حاکمیت بر مبنای عرضه ارزان کالاها و خدمات توسط دولت به مردم و ایجاد تعهدات پایدار در سمت مخارج دولت بر مبنای درآمدهای ناپایدار نفتی ناشی شده است. در اثر کاهش شدید قیمت نفت (یا تحریم فروش نفت) طی سال‌های اخیر مساله‌ی تنگنای مالی دولت تشدید شده و دولت برای جبران کسری بودجه خود ابتدا به بهره‌گیری از منابع نظام بانکی و اخیراً به انتشار اوراق مالی روی آورده که در نتیجه سهم بخش خصوصی در تامین مالی (به ویژه در بازار اوراق) را کاهش داده است.

کسری بودجه مزمن دولت در کنار نبود نظام شفاف پایش و مدیریت بدهی سبب انباشت بدهی قابل توجه دولت شده است. عدم اقتدار بانک مرکزی و نظام بانکی در وصول اصل و سود مطالبات خود از دولت نیز سرعت رشد بدهی‌های دولت را افزایش داده است. عدم بازپرداخت بدهی‌های دولت به بنگاه‌های خصوصی سبب شده که هزینه‌های مالی این بنگاه‌ها به شدت افزایش یابد و برخی از آنها به مرز ورشکستگی برسند. عدم بازپرداخت بدهی‌های دولت به بانک‌ها نیز مشکل تنگنای مالی بانک‌ها را تشدید کرده است.

با توجه به این شرایط، نظام بودجه‌ریزی دولت باید به گونه‌ای اصلاح شود که اولاً تمام عملیات مالی حکومت در چارچوب سند بودجه به صورت شفاف، احصا و منتشر شود و ثانیاً بودجه به سندی باثبات و قابل پیش‌بینی تبدیل گردد. ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در بودجه‌ی دولت می‌تواند از طریق اعمال قواعد مالی^{۳۴} حاصل شود. هدف اصلی از قواعد مالی، قاعده‌مند

^{۳۳} منظور از "مالی" در این فصل همان fiscal است و نه financial. برای اینکه این دو مفهوم با هم خلط نشوند در برخی موارد از اصطلاح "مالی-بودجه‌ای" برای fiscal استفاده شده است.

^{۳۴} Fiscal Rule

کردن سیاست‌گذاری مالی-بودجه‌ای به منظور جلوگیری از سیاست‌گذاری دلبخواهی توسط دولت است که باعث ناپایداری در ثبات اقتصاد کلان می‌شود.^[۱۹]

قواعد مالی به تنهایی نمی‌توانند انضباط مالی را بر بودجه دولت حاکم کنند. تحمیل قواعد مالی در صورتی که متناسب با وضعیت چرخه‌های تجاری اقتصاد و نقش مخارج دولت برای ایجاد ثبات در سمت تقاضای اقتصاد در زمان بروز چرخه‌های تجاری نباشد می‌تواند دولت را به سمت صورت‌آرایی بودجه یا عملیات شبه بودجه‌ای سوق دهد. از این رو قواعد مالی مناسب باید شروط زیر را محقق کنند:

- (a) بیش از اندازه سخت‌گیرانه نباشند. این قواعد باید حد مشخص و تعریف شده‌ای از انعطاف‌پذیری را برای دوره‌هایی که سیاست بودجه‌ای نیازمند رفتار پادچرخه‌ای^{۲۵} است، داشته باشد.
- (b) باورپذیر و معتبر باشند، به گونه‌ای که بازیگران اقتصادی، به ویژه دولت، این قواعد را دائمی بدانند.
- (c) شفاف باشند به طوری که بتوان با هزینه کم اجرای این قواعد را پایش کرد و از سوی دیگر دستکاری^{۲۶} در گزارش‌دهی اجرای این قواعد دشوار باشد.

با در نظر گرفتن این موارد پیشنهاد می‌شود قواعد مالی دولت ذیل چارچوب زیر تدوین شود:

بودجه دولت

- تمام عملیات مالی حکومت، چه در سمت درآمد و چه در سمت هزینه، باید در سند بودجه بصورت شفاف منعکس شود و فرآیندهای مالی خارج از سند بودجه متوقف گردد.
- تعهداتی که توسط دولت در چارچوب تضامین اعم از خریدهای تضمینی یا ارائه ضمانت صورت می‌گیرد، در چارچوب هزینه‌های دولت و در بودجه‌های سالانه گزارش شود.
- تامین مالی دولت از طریق شرکت‌های دولتی یا شبکه بانکی به طور کامل ممنوع گردد و دولت تمامی منابع نقد مورد نیاز خود برای پوشش کسری بودجه را صرفاً از طریق انتشار اوراق تامین کند.

^{۲۵} Countercyclical. عموماً شرایط رکود اقتصادی ناشی از کمبود تقاضا، مستلزم افزایش مخارج دولت به منظور افزایش تقاضای کل و در نتیجه، افزایش تولید است.

^{۲۶} Manipulation

- به منظور افزایش پیش‌بینی‌پذیری بودجه، در افق میان‌مدت، تواتر بودجه‌ریزی از بودجه‌های سالانه به بودجه‌های دو ساله تغییر کند.
- به منظور مدیریت جریان نقدی دولت در درون یک سال مالی و کاهش عدم تطابق بین منابع و مصارف دولت و ایجاد ثبات در تراز نقدی دولت، اوراق درون‌سالی با برنامه مشخص و از پیش تعیین شده و با پیش‌بینی تراز نقدی دولت طی ماه‌های سال منتشر گردد. از تنخواه‌گردان بانک مرکزی صرفاً با کارکرد تنظیم‌گر نهایی و به منظور ایجاد ثبات در تراز نقدی دولت استفاده شود.
- به منظور کنترل اثر شوک‌های ناشی از تغییر در درآمدهای حاصل از صادرات نفت در ایجاد نوسان در بودجه، سهم دولت از درآمدهای نفتی که وارد بودجه سالانه می‌شود در مقدار مشخصی (مثلاً ۲۵ میلیارد دلار) ثابت گردد.
- با بهبود در پوشش مالیاتی و همچنین تعریف ابزارهای جدید مالیاتی نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در ایران بتدریج به میانگین کشورهای با درآمد متوسط در دنیا (۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی) ارتقا یابد.
- میزان مخارج دولت بر اساس میزان درآمدهای بلندمدت دولت و با لحاظ میزان مشخص و تعیین شده از کسری بودجه تعیین گردد. برای تحقق این هدف، کوچک‌سازی دولت در اولویت قرار گرفته و رشد اقلام مهم در هزینه‌های جاری دولت مانند هزینه‌های سلامت و هزینه‌های مربوط به صندوق‌های بازنشستگی، کنترل و مدیریت شود.
- به منظور افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها، پروژه‌های عمرانی از طریق مشارکت عمومی-خصوصی اجرا گردد و در همین راستا، پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی که ماهیتاً اقتصادی و سودآور هستند به بخش خصوصی واگذار گردد.
- ارائه خدماتی مانند آموزش و بهداشت حتی‌الامکان از طریق سازوکار خرید خدمت صورت گیرد، به طوری که با کاهش اندازه دولت و افزایش حضور بخش خصوصی امکان تمرکز دولت بر امور حاکمیتی فراهم شود.
- رشد کسری بودجه ساختاری دولت کنترل شده و در یک برنامه‌ی مشخص میزان آن به کمتر از یک درصد از تولید ناخالص داخلی برسد.^{۲۷}

^{۲۷} کسری بودجه دولت متشکل از دو جزء کسری بودجه ساختاری و کسری بودجه ناشی از نوسانات اقتصادی است.

- یک نهاد مستقل غیرسیاسی متولی محاسبه کسری بودجه دولت گردد. در صورتی که کسری بودجه دولت بیشتر از ۲,۵ درصد تولید ناخالص داخلی باشد، تصویب آن منوط به رای دو سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی گردد.

بدهی‌های دولت

- رشد بدهی‌های دولت کنترل شود به طوری که شاخص‌های پایداری بدهی دولت عمومی (نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی و نسبت تامین مالی مورد نیاز به تولید ناخالص داخلی) در یک افق ۱۰ ساله از آستانه‌های مجاز تعریف شده برای اقتصادهای نوظهور عبور نکرده (۴۵ درصد برای شاخص نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی و ۱۰ درصد برای نسبت تامین مالی ناخالص مورد نیاز به تولید ناخالص داخلی) و در افق ۱۰ ساله پایداری بدهی دولت تضمین گردد.^[۲۰]
- سامانه‌ی مدیریت بدهی‌ها و مطالبات دولت شامل ترکیب و میزان بدهی‌ها و مطالبات دولت به صورت عمومی در دسترس قرار گیرد. این سامانه علاوه بر بدهی‌های قطعی و صریح دولت باید شامل بدهی‌های ضمنی و مشروط دولت مانند تضامین ارائه شده توسط دولت نیز باشد. به علاوه هر نوع بدهی جدید ایجاد شده در این سامانه ثبت گردد.
- هر نوع بدهی دولت که در چارچوب قراردادهای موجود و فعال دولت ایجاد می‌شود باید به صورت نقدی و تا پایان سال مالی تسویه گردد. به علاوه هر نوع بدهی جدید دولت با افق زمانی بیشتر از یک‌سال صرفاً در چارچوب انتشار اوراق بدهی صورت پذیرد و ایجاد بدهی به صورت تعهدی ممنوع گردد. در واقع، دولت صرفاً مجاز باشد که با فروش اوراق بدهی در بازار اولیه، منابع مالی نقد، جمع‌آوری کرده و با آن، تعهدات خود در چارچوب قراردادهای فعال را نقدا پرداخت نماید.
- انتشار اوراق دولتی را خزانه‌داری کل کشور بصورت انحصاری بر عهده داشته باشد و هرگونه انتشار اوراق دولتی با مجوز این نهاد انجام گیرد. اوراق منتشره، صرفاً در بازار بدهی (بازار اولیه) به فروش برسد.
- هرگونه انتشار اوراق باید به صورت کاملاً شفاف و از پیش تعیین شده باشد به طوری که فعالان بازار سرمایه، بانک‌های تجاری و بانک مرکزی بتوانند برنامه‌ریزی‌های لازم برای موعدهای انتشار اوراق را انجام دهند. به علاوه جمع‌بندی جلسات مربوط به کمیته هماهنگی انتشار اوراق بدهی در اختیار عموم قرار گیرد.

مطالبات بخش خصوصی از دولت

مطالبات بخش خصوصی از دولت، که در شرایط کنونی به صورت بدهی غیرسیال و غیرشفاف درآمد و با ریسک نکول دولت مواجه است، سبب شده تا زنجیره‌ای از مشکلات در نظام تامین مالی کشور ایجاد شود. عدم بازپرداخت بدهی دولت به بخش خصوصی و فراتر از آن عدم اقرار دولت به میزان بدهی خود، باعث شده بخش خصوصی بیش از گذشته برای تداوم فعالیت خود متکی به منابع نظام بانکی باشد. تداوم این شرایط طی سال‌های اخیر سبب انباشت بدهی دولت به بخش خصوصی از یک سو و منجمد شدن دارایی‌ها در نظام بانکی (در قالب مطالبات معوق از بخش خصوصی) از سوی دیگر شده است. انجماد دارایی در نظام بانکی، بانک‌ها را به سوی رقابت در جذب سپرده سوق داده که نتیجه‌ی آن افزایش در نرخ سود بانکی و همچنین افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بوده است. تداوم این شرایط، هزینه‌های مالی بنگاه‌های اقتصادی طلبکار از دولت را افزایش داده و با افزایش زیان‌دهی، آن‌ها را با خطر ورشکستگی مواجه می‌کند. از این رو به منظور تعیین تکلیف مطالبات بخش خصوصی از دولت، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- دولت بدهی غیرسیال خود به بخش خصوصی را ابتدا اوراق بهادارسازی کرده و برای آن‌ها جریان نقدی با سررسیدهای مشخص تعیین کند. این اوراق می‌تواند بلندمدت باشد و برای مدت زمان مشخصی امکان ورود به بازار را نداشته باشد. با این حال باید زمان ورود این اوراق به بازار سرمایه از پیش تعیین شود. قیمت این اوراق باید منصفانه باشد، به گونه‌ای که ارزش اسمی اوراق متناسب با اصل بدهی، زمان ایجاد بدهی و میزان منابع حاصل شده ناشی از فروش اوراق باشد.
- دولت از طریق یک سازوکار چند وجهی، امکان تهاتر بدهی بخش خصوصی به سازمان‌های دولتی مانند سازمان امور مالیاتی و سازمان خصوصی‌سازی را با مطالبات بخش خصوصی از دولت با به کارگیری اوراق تسویه خزانه فراهم کند.
- دولت همواره سهم مشخصی از منابع مالی حاصل شده از اصلاحات اقتصادی مانند اصلاح در قیمت حامل‌های انرژی، واگذاری شرکت‌های دولتی و اصلاح در نظام مالیاتی را به عنوان بازپرداخت بدهی دولت به بخش خصوصی در نظر گیرد.

- دولت نسبت به واگذاری پروژه‌های نیمه‌تمام خود که ماهیتا اقتصادی و سودآور هستند به بخش خصوصی اقدام کند و منابع حاصل از آن را برای بازپرداخت بدهی‌های خود به بخش خصوصی اختصاص دهد.
- در افق میان‌مدت، تمامی بدهی‌های جدید ایجاد شده توسط دولت در هر سال، باید در پایان همان سال به صورت نقدی به بخش خصوصی بازپرداخت شود. در صورت ضرورت، دولت می‌تواند با استفاده از انتشار اوراق صکوک اجاره یا سایر ابزارهای مالی، منابع نقد لازم برای بازپرداخت بدهی خود به بخش خصوصی را از بازار مالی تامین کند.^[۲۱]

بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی

تادیه بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی باید با در نظر گرفتن زنجیره‌ی بدهی ایجاد شده در نظام مالی ایران صورت گیرد. طی سال‌های گذشته انباشت بدهی بخش عمومی به ویژه دولت به بخش خصوصی و بلا تکلیفی بخش خصوصی در وصول مطالبات خود از دولت باعث ایجاد تنگنای مالی برای بخش خصوصی و عدم بازپرداخت بخشی از تسهیلات دریافت شده از نظام بانکی توسط این بخش و انباشت بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی شده است. در عین حال، به دلیل شناسایی سود از مطالبات معوق، بخشی از شبکه بانکی انگیزه کافی برای پیگیری دریافت تسهیلات اعطا شده را نیز ندارد. از این رو به منظور ایجاد گشایش در تادیه بدهی بخش خصوصی و تعیین تکلیف این بدهی‌ها پیشنهاد می‌شود که برای تادیه بدهی‌ها قواعد زیر رعایت شود:

- ناظران بانک مرکزی با کمک گرفتن از حساب‌رسان منتخب، طبقه‌بندی و بازپرداخت وام‌های بزرگ بانک‌ها را به صورت سرشماری و وام‌های کوچک و متوسط را به صورت نمونه‌گیری پایش کنند. تخلفات در ثبت با جریمه‌های زیاد روبه‌رو شود. به علاوه امکان شناسایی سود بر اساس مطالبات مشکوک‌الوصول متوقف و تخلف تلقی شود.
- در صورت دیرکرد دولت در بازپرداخت بدهی بخش خصوصی، جریمه این دیرکرد معادل وجه التزام نظام بانکی محاسبه گردد.
- امکان تهاتر زنجیره‌ای بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی با بدهی بخش دولتی به بخش خصوصی از طریق اوراق بدهی با نرخ‌های منصفانه فراهم شود به طوری که بدهی دولت به بخش خصوصی و بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی از طریق این اوراق تسویه گردد و بانک‌ها بتوانند این اوراق را برای دریافت منابع به عنوان وثیقه نزد بانک مرکزی قرار دهند یا از این اوراق برای تسویه بدهی خود به بانک مرکزی استفاده کنند.
- با ایجاد نظام رتبه‌بندی اعتباری و مینا قرار دادن این نظام رتبه‌بندی برای اعطای تسهیلات و کاهش رتبه اعتباری افراد و بنگاه‌هایی که تسهیلات دریافت شده را بازپرداخت نکرده‌اند، انگیزه بخش خصوصی برای بازپرداخت تسهیلات دریافت شده افزایش یابد.

اصلاحات بانکی

طی سال‌های اخیر فاصله‌ی نظام بانکی ایران با بحران مستمرا کاهش پیدا کرده است و در شرایط کنونی، زمان در اختیار سیاستگذاران برای انجام اقدامات اصلاحی پیش از وقوع بحران بانکی اندک است. با توجه به ابعاد اقتصادی بلندمدت و همچنین ابعاد اجتماعی و سیاسی وقوع بحران، باید در زمینه انجام اصلاحات بانکی در سطوح بالای حاکمیت، اجماع ایجاد شود و این اصلاحات مقدم بر تمام اقدامات اصلاحی دیگر قرار گیرد. علاوه بر طراحی برنامه‌ی اصلاحات بانکی، حاکمیت باید برنامه‌ای برای مدیریت اقتصاد در صورت وقوع بحران بانکی تدوین کند تا بتواند اقدامات مورد نیاز در صورت وقوع بحران را سامان‌دهی نماید.

اصلاحات بانکی باید برنامه‌ای جامع و ناظر بر اهم مشکلات ساختاری فعلی نظام بانکی باشد و در راستای دستیابی به سه هدف تورم اندک و با ثبات، توسعه مالی و افزایش ثبات در نظام مالی کشور تدوین گردد. بدون وجود برنامه‌ای جامع و فراگیر، امکان توفیق در انجام اصلاحات موردی در نظام بانکی کاهش پیدا می‌کند. با توجه به شرایط کنونی نظام بانکی، برنامه‌ی اصلاحی باید شامل کاهش تدریجی ناترازی‌های نظام بانکی از جمله حل مشکل مطالبات معوق، درآمدزایی دارایی‌های منجمد، حل مشکل ریسک اعتباری در بانک‌ها از طریق ایجاد نظام اعتبارسنجی برای مشتریان، اصلاح ساختار سهامداری و اجرای اصول حاکمیت شرکتی و همچنین انجام اقدامات نظارتی بر اساس استانداردهای به‌روز جهانی (همراه با اصلاح آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوطه) باشد.

انجام اصلاح در نظام بانکی باید علاوه بر طراحی برنامه‌ی اصلاحی، نقشه راه و فرآیندسازی برای اطمینان از صحت و دقت اجرای برنامه‌ی اصلاحی را نیز شامل گردد. انجام اقدامات اصلاحی باید به گونه‌ای صورت گیرد که زیان حاصل از انجام این اقدامات بین ذی‌نفعان مختلف از جمله سهامداران ارشد بانک‌ها، دولت و بانک مرکزی توزیع گردد.

در اقتصاد ایران، نظام بانکی همواره با مداخلات گسترده قیمتی و جیره‌بندی منابع توسط دولت مواجه بوده است. این مداخلات در کنار نظارت ضعیف بانک مرکزی طیف گسترده‌ای از معضلات از جمله بنگاه‌داری شبکه بانکی، سهم بالای دارایی‌های با نقدشوندگی پایین مانند مطالبات معوق و سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات را در پی داشته است. همچنین گستره‌ای از

عوامل، از جمله ایجاد محدودیت در نرخ سود سپرده توسط دولت و ناتوانی نظام بانکی در پاسخگویی به تقاضاهای تسهیلات ناشی از نرخ سود پایین، ضعف قانونی و اجرایی بانک مرکزی در امر نظارت، و البته نفوذ و پشتوانه سیاسی صاحبان مؤسسات مالی و پولی به گسترش قابل توجه این دسته از مؤسسات خارج از حوزه نظارتی بانک مرکزی منجر شده است. این شرایط علاوه بر فعال کردن شمارش معکوس بحران بانکی به عنوان بزرگ‌ترین تهدید ثبات مالی کشور، تضعیف توان شبکه بانکی برای ایفای نقش تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد کشور را در پی داشته و در عین حال، مهمترین عامل رشد نقدینگی در سه سال اخیر بوده است. علاوه بر مشکلات فوق، در چند دهه‌ی گذشته و به ویژه به دنبال تحریم‌های اقتصادی، نظام بانکی ایران از تحولات شتابان نظام بانکی بین‌المللی به طور قابل توجهی عقب افتاده است. با توجه به این شرایط سیاست‌های زیر به منظور انجام اصلاحات در نظام بانکی کشور پیشنهاد می‌شود:

ارتقای نهادی-فرآیندی نظام بانکی

- بانک مرکزی با اصلاح قوانین نظارتی و اجرای استانداردهای رایج در نظام پولی و مالی کنونی در دنیا، سه رکن حسابرسی داخلی^{۲۸}، نظارت بر رعایت مقررات^{۲۹} و مدیریت ریسک اعتباری^{۳۰} در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری را تقویت کند.
- فرآیندهای حسابداری و گزارش‌دهی صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری با استانداردهای IFRS^{۳۱} منطبق شده و نهادهای مالی مکلف گردند که اطلاعات تفصیلی صورت‌های مالی خود را به صورت فصلی منتشر کنند. با توجه به ضعف جدی نظارتی بانک مرکزی در سال‌های گذشته، فرآیندهای نظارتی در بانک مرکزی به گونه‌ای اصلاح شود (از جمله از طریق اصلاح قوانین بانکداری و بانک مرکزی) که نظارت بانکی، سه حوزه‌ی حاکمیت شرکتی و شفافیت^[۲۲]، اختیارات و مسئولیت‌های ناظر بانکی^[۲۳] و مقررات و الزامات احتیاطی بانک‌ها^[۲۴] را شامل شود.

²⁸ Internal Audit

²⁹ Compliance

³⁰ Credit Risk Management

³¹ International Financial Reporting Standards

- به منظور کنترل ریسک سیستمی، برنامه زمان‌بندی اعمال نظام مدیریت ریسک بر اساس استانداردهای بال اعمال شود به گونه‌ای که به تدریج و در افق میان‌مدت استانداردهای بال ۳ مبنای اعمال نظام مدیریت ریسک باشد. در همین چارچوب بانک مرکزی ذخایر احتیاطی بانک‌ها را با جدیت پایش نماید.
- نظام اعتبارسنجی معتبر، مبنای پرداخت تسهیلات به بنگاه‌ها قرار گیرد. اعطای تسهیلات سرمایه در گردش بر ارائه اسناد مالیات بر ارزش افزوده مبتنی گردد.
- به منظور ارتقای نظام اعتبارسنجی در شبکه بانکی و همچنین ایفای نقش صحیح مدیریت ریسک اعتباری در بانک‌ها، بانک مرکزی راه‌اندازی سامانه اطلاعات مالی شهروندان، به منظور ایجاد نظام اعتبارسنجی برای مشتریان بانک‌ها را پیگیری کند.
- فرآیند اعطای اعتبار تنها محدود به بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری باشد و کارت‌های اعتباری جایگزین چک‌های مدت‌دار گردد. [۲۵]
- با هدف بهبود در فرآیند اعطای تسهیلات، بانک‌ها از اعطای تسهیلات به شرکت‌های زیرمجموعه خود منع گردند. در بلندمدت بانک‌ها اقدام به واگذاری بنگاه‌های اقتصادی غیرمالی خود نمایند و حیطة بنگاهداری بانک‌ها به رشته فعالیت‌های مرتبط با حوزه‌ی پولی و مالی محدود گردد.
- با هدف هدایت بانک‌ها در جهت ایفای نقش اصلی خود در واسطه‌گری مالی و جلوگیری از نقش مخرب سوداگری، فعالیت بانک‌ها در بازارهای دارایی همچون املاک و مستغلات و ارز به شدت کنترل گردد.

تسهیل ارتباطات بانکی بین‌المللی

- به منظور کاهش هزینه و ریسک ارتباطات بین‌المللی نظام بانکی، انجام اصلاحات در نظام پولی و بانکی کشور اعم از تصویب قوانین، آئین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها به منظور انطباق قواعد مربوط به فعالیت‌های مالی و پولی در ایران با استانداردهای مربوط به پولشویی و تامین مالی تروریسم صورت پذیرد، به طوری که تعهدات فعلی ایران به گروه ویژه اقدام مالی موسوم

به FATF^{۳۲} به انجام رسیده و ایران به عنوان عضو همکار این نهاد شناخته شود. در همین ارتباط، اقدامات لازم برای عضویت ایران در نهاد منطقه‌ای FATF در منطقه اوراسیا موسوم به EAG^{۳۳} صورت گیرد.

● با انجام اقدامات لازم، شرایط برای ارزیابی مناسب ایران در سال ۲۰۱۹، توسط صندوق بین‌المللی پول در ارتباط با انطباق فعالیت‌های پولی و مالی در ایران ذیل قواعد گروه ویژه اقدام مالی فراهم گردد.

دسته‌بندی و تجدید ساختار بانک‌ها

● فرآیند ارزیابی دارایی‌های ترازنامه بانک‌های کشور (AQR^{۳۴}) به منظور شناسایی بانک‌های مشکل‌دار و مشخص شدن میزان ناترازی در نظام بانکی همزمان با انجام سایر اقدامات اصلاحی صورت پذیرد. در این ارتباط، از مشاوره نهادهای تخصصی بین‌المللی استفاده گردد.

● بانک مرکزی بانک‌ها را بر اساس وضعیت سلامت دسته‌بندی کرده و برنامه تجدید ساختار بانک‌ها را بر اساس وضعیت سلامت آن‌ها طراحی و پیگیری کند. از آن‌جا که تداوم فعالیت مخرب بانک‌های شدیداً مشکل‌دار نهایتاً خود را در قالب رقابت برای جذب سپرده و افزایش نرخ سود نشان می‌دهد و به انتشار مشکل به بانک‌های سالم می‌انجامد، در چارچوب این برنامه نسبت به تعیین تکلیف بانک‌های شدیداً مشکل‌دار که امکان استمرار فعالیتشان وجود ندارد اقدام فوری در اشکال انحلال یا ادغام صورت گیرد.

● جهت اصلاح ترازنامه و جبران خسارت‌های ناشی از مطالبات غیرجاری و دیگر زیان‌های ناشی از دارایی‌های منجمد بانک‌ها، بانک‌های خصوصی پس از پاک‌سازی ترازنامه‌ها، از طرف بانک مرکزی و سازمان بورس ملزم به افزایش سرمایه توسط سهام‌داران گردند. دولت نیز سرمایه بانک‌های دولتی را افزایش دهد. به این منظور می‌توان از ظرفیت صندوق توسعه ملی، فروش سهام دولت در بانک‌های خصوصی‌شده و نیز سهام ممتاز استفاده کرد.

³² Financial Action Task Force (FATF)

³³ Eurasian Group

³⁴ Asset Quality Review

- بانک‌ها بر اساس شاخص‌های میزان سلامت و نیز تبعیت آنها از بانک مرکزی (در اجرایی‌کردن برنامه‌های تجدید ساختار، تبعیت از نرخ‌های سود سپرده، کفایت سرمایه و ذخیره‌گیری) بر اساس ضوابط از پیش تعیین‌شده تشویق و تنبیه شوند^[۲۶]
- فرآیند ادغام موسسات مالی و اعتباری در شبکه بانکی کشور از طریق ادغام این موسسات با بانک‌هایی که شرایط بهتری از نظر شاخص‌های سلامت نظام بانکی دارند پیگیری شود.
- با تصریح قانونی بر حق انحصاری بانک مرکزی در صدور مجوز برای هر گونه موسسه سپرده‌پذیر، ایجاد موسسات پولی غیرمجاز منتفی گردد.

سامان دادن به دارایی‌های منجمد

- باید به معضل مطالبات معوق در شبکه بانکی، پیش از آن که به نقطه بحرانی برسد، سریعاً رسیدگی گردد. در این ارتباط اقدامات زیر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:
 - ناظران بانک مرکزی بازپرداخت وام‌های بزرگ بانک‌ها را به صورت سرشماری و وام‌های کوچک و متوسط را به صورت نمونه‌گیری پایش کنند و تخلفات در ثبت با جریمه‌های زیاد روبه‌رو شود.
 - حل و فصل تسهیلات غیرجاری بزرگ ترجیحاً پیش از ورود به فرآیندهای قضایی در کمیته‌ای تخصصی با حضور نمایندگان بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و دستگاه‌های ذی‌ربط صورت گیرد.
- بانک مرکزی شرایط لازم برای بانک‌های کشور را برای اوراق بهادارسازی دارایی‌های بانقدشوندگی پایین در ترازنامه نظام بانکی فراهم کند تا از این طریق توان تسهیلات دهی بانک‌ها افزایش یابد.
- بدهی دولت به شبکه بانکی به اوراق بهادار تبدیل شود و علاوه بر مبادله این اوراق در بازار بین بانکی، بانک مرکزی این اوراق را به عنوان وثیقه بانک‌ها برای دریافت منابع از بانک مرکزی یا تصفیه بدهی بانک‌ها با بانک مرکزی بپذیرد.

سیاست گذاری نرخ سود و کنترل تورم

- در میان مدت تعیین دستوری نرخ سود بانکی متوقف گردد و بانک مرکزی با اجرایی کردن عملیات بازار باز از طریق خرید و فروش اوراق بدهی دولت در بازار ثانویه، سیاست‌گذاری پولی و هدایت نرخ سود را به صورت فرایندی برگشت‌پذیر جهت کنترل نقدینگی و تورم آغاز کند و با حضور فعال در بازار بین‌بانکی، نرخ این بازار را مدیریت نماید. تضمین استقلال بانک مرکزی و عدم اجبار بانک مرکزی از سوی دولت برای خرید اوراق بدهی دولت برای توفیق سیاست فوق، ضروری است.
- با به رسمیت شناختن استقلال بانک مرکزی در تدوین و اجرای سیاست پولی و هدایت نرخ سود، این بانک نسبت به کنترل تورم، مسئول و پاسخگو گردد.
- در کوتاه‌مدت بانک مرکزی بصورت موقت و به منظور حذف آثار جنگ قیمتی بین بانک‌ها با اعمال نظارت سخت‌گیرانه بر بانک‌های ناسالم، مانع از آن شود که این دسته از بانک‌ها با افزایش قابل ملاحظه در نرخ سود سپرده، نرخ سود حقیقی انتظاری را بصورت غیرمتعارفی بالا نگه دارند.^{۳۵}

^{۳۵} منظور از نرخ سود حقیقی انتظاری، نرخ سود سپرده منهای نرخ تورم انتظاری است.

تامین مالی بخش خصوصی

در شرایط کنونی از نظر مولفه‌های موثر بر محیط کسب و کار، عدم دسترسی کافی به منابع مالی مهم‌ترین دشواری پیش روی بخش خصوصی است. به دلیل آن که نظام تامین مالی در ایران بانک-محور است، معضلات بزرگ نظام بانکی، تامین مالی بنگاه‌ها را با گرفتاری‌های زیادی روبه‌رو کرده است. علاوه بر این، دشواری در تعریف ابزارهای مالی جدید در بازار سرمایه و نظام بانکی، تسلط تامین مالی دولت بر بازار اوراق برای جبران کسری بودجه خود، عدم اتصال نظام مالی ایران به نظام مالی بین‌المللی، و همچنین ریسک‌های اقتصادی و سیاسی در کشور نیز سبب شده است تا تامین مالی برای بخش خصوصی با هدف تامین سرمایه در گردش یا سرمایه‌گذاری به سختی صورت گیرد.

به علاوه تامین مالی از طریق صندوق توسعه ملی نیز با مشکلاتی همراه است. عدم تعریف سیاست توسعه‌ای و استراتژی سرمایه‌گذاری در اساسنامه صندوق توسعه ملی در کنار تعریف نرخ سود ثابت برای اعطای تسهیلات بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی در کشور سبب شده است که منابع صندوق به شکل کارایی تخصیص پیدا نکند. با در نظر گرفتن این شرایط و به منظور بهبود در نظام مالی در کشور، سیاست‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

نظام بانکی

- به منظور حل تنگنای اعتباری، بانک مرکزی در انجام اصلاحات در نظام بانکی تسریع کند.
- بانک مرکزی اقدامات نظارتی لازم برای جلوگیری از بنگاهداری بانک‌های کشور و وام‌دهی شبکه بانکی به بنگاه‌های زیر مجموعه خود^{۳۶} را به اجرا درآورد. فعالیت بنگاه‌های وابسته به بانک‌ها صرفاً به حوزه‌های مالی و پولی محدود گردد.
- با توجه به انگیزه بانک‌ها برای اعطای وام‌های کوتاه‌مدت، تامین مالی پروژه‌های بزرگ از طریق اعطای وام‌های سندیکایی^{۳۷} صورت گیرد. بدین منظور بانک مرکزی قواعد و مقررات لازم برای ارزیابی پروژه‌های بزرگ و تامین مالی چندگانه آن‌ها و همچنین مدیریت ریسک وام‌های سندیکایی را تدوین کند.

³⁶ Connected Lending

³⁷ Syndicated Loans

- به منظور ارتقای توان تسهیلات‌دهی و استفاده از منابع نقد راكد در حساب‌های جاری، بانک مرکزی ابزارهایی –مانند قراردادهای ریپو^{۳۸} [۲۷] – طراحی و اجرا کند.
- به منظور بهبود در تخصیص منابع بانک‌های توسعه‌ای، فعالیت بانک‌های توسعه‌ای و تخصیص اعتبار توسط این بانک‌ها ذیل قراردادهای عمومی-خصوصی، تامین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری بزرگ و رهبری اعطای وام‌های سندیکایی صورت گیرد، به طوری که این بانک‌ها عهده‌دار تامین مالی بخش خصوصی برای اجرای پروژه‌های عمومی با در نظر گرفتن ریسک اجرای پروژه و نرخ سود متناسب با بازدهی اجرای پروژه گردند.
- بانک مرکزی دستورالعمل مناسب را برای ایجاد و کارکرد صحیح رکن مدیریت ریسک اعتباری بانک‌های کشور فراهم کند تا تقاضای وثیقه برای اعطای تسهیلات بر اساس ارزیابی ریسک پروژه‌ها تعدیل گردد. به علاوه دستورالعمل‌های بانک مرکزی به گونه‌ای اصلاح گردد که اخذ تسهیلات با استفاده از وثیقه‌های گوناگون فراهم شود. به طور مشخص، تنزیل قبض انبار بعنوان یک ابزار مهم برای اعطای تسهیلات سرمایه در گردش مورد توجه قرار گیرد.
- با توجه به تفاوت بنگاه‌های مختلف در میزان ریسک نکول و عدم بازپرداخت منابع، نرخ سود تسهیلات بر مبنای ریسک ارزیابی شده شناور شود به گونه‌ای که امکان تامین مالی از شبکه بانکی با نرخ‌های متفاوت برای بنگاه‌های با ریسک متفاوت فراهم گردد.
- با توجه به ریسک پایین‌تر مصرف‌کننده‌ی خرد و احتمال نکول کمتر، به منظور اعطای تسهیلات به خانوار و گسترش آن به گروه‌های مختلف درآمدی شرایط برای اعطای اعتبار مصرف‌کننده از طریق صدور کارت‌های اعتباری و هم‌چنین توسعه لیزینگ‌ها مهیا شود.
- اعطای تسهیلات تکلیفی بطور کامل ممنوع گردد و در صورتی که دولت تصمیم بر حمایت از حوزه‌ای مشخص دارد، یارانه سود تسهیلات را (بجای تسهیلات تکلیفی) در بودجه‌های سالانه منظور کند.
- بانک مرکزی مقدمات و دستورالعمل‌های لازم برای ایجاد و گسترش سیستم تامین مالی P2P^{۳۹} به منظور اعطای تسهیلات به صورت آنلاین را فراهم سازد. [۲۸]

³⁸ Repurchase Agreement (Repo)

³⁹ Peer to Peer

- سازمان بورس و اوراق بهادار با انجام اقدامات لازم از جمله فراهم کردن امکان رتبه‌بندی شرکت‌های مختلف، کوتاه‌کردن فرآیند انتشار اوراق تامین مالی، کاهش هزینه‌های انتشار و کاهش حداقل میزان تعریف شده برای تامین مالی از طریق انتشار اوراق بدهی، امکان تامین مالی از طریق این ابزار را برای شرکت‌های مختلف فراهم سازد.
- با تسهیل فرایند تامین مالی از طریق انتشار اوراق در بورس، در میان مدت شرکت‌های بزرگ برای تامین مالی (بویژه برای سرمایه‌گذاری) به سمت بازار اوراق سوق داده شوند و بانک‌ها عمدتاً وظیفه تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط را بر عهده بگیرند.
- سازمان بورس و اوراق بهادار اقدامات لازم برای تعریف ابزارهای مالی جدید برای تامین مالی بلندمدت برای سرمایه‌گذاری را فراهم کند تا تسهیلات بانکی بیشتر در جهت تامین مالی کوتاه‌مدت و به ویژه سرمایه در گردش فعال شود.
- به منظور جلوگیری از برون‌رانی بخش خصوصی در تامین مالی از طریق بازار اوراق بهادار، وزارت اقتصاد به صورت سالانه، میزان مجاز انتشار اوراق بهادار توسط نهادهای عمومی (دولت، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها) را بر اساس چارچوب پایداری بدهی بخش عمومی^{۴۰} تعیین کند. همچنین خرید و فروش اوراق بهادار دولتی توسط بانک‌ها باید به طور شفاف و در درون ساختار بازار صورت گیرد و دولت هیچ بانکی را مکلف به خرید اوراق بهادار دولتی نکند.
- سازمان بورس و اوراق بهادار، از طریق عقد قرارداد با بورس‌های کشورهای دیگر، اقدامات لازم برای عرضه سهام شرکت‌های ایرانی در بورس‌های خارجی و امکان تامین مالی در آن بازارها از طریق عرضه سهام و همچنین اوراق بدهی شرکت‌های ایرانی را سامان‌دهی کند.
- به منظور ایجاد تسهیل در داد و ستد اسناد اعتباری قابل دریافت و مدت‌دار یا سایر اوراق تجاری، بانک مرکزی با همکاری سازمان بورس و اوراق بهادار امکان ایجاد صندوق‌های مالی تجاری^{۴۱} را فراهم سازد.^[۳۹]

⁴⁰ Debt Sustainability Analysis

⁴¹ Trade Finance Fund

- بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار آئین‌نامه و دستورالعمل‌های مورد نیاز برای تامین مالی مشترک^{۴۲} پروژه‌های بزرگ از طریق بازار سرمایه و شبکه بانکی را از طریق منابع داخلی یا خارجی فراهم کنند به طوری که نحوه‌ی بازپرداخت تسهیلات یا فروش سهام، ریسک بازگشت منابع را حداقل کند.
- ابزارهای مبتنی بر فناوری‌های جدید مالی (فین‌تک) برای تسهیل در فرآیندهای اعطای تسهیلات به خانوارها، بنگاه‌های کوچک و متوسط و انجام سرمایه‌گذاری جمعی^{۴۳} توسعه پیدا کند. به همین منظور بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک‌های اطلاعاتی و قواعد و دستورالعمل‌های لازم را ایجاد نمایند به طوری که امکان سرمایه‌گذاری مستقیم توسط سرمایه‌گذاران خرد در یک پروژه مشخص فراهم گردد. به علاوه بازار ثانویه‌ای برای مبادلات این نوع از فعالیت‌های مالی شکل گیرد.^[۳۰]

صندوق توسعه ملی

- صندوق توسعه ملی به منظور ارتقای فرآیند تخصیص منابع مالی، اقدام به تدوین استراتژی توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری کند به گونه‌ای که ذیل استراتژی توسعه‌ای میزان و نحوه سرمایه‌گذاری منابع صندوق توسعه ملی در رشته فعالیت‌های مختلف و ذیل استراتژی سرمایه‌گذاری نحوه محاسبه‌ی سود منابع صندوق توسعه ملی با در نظر گرفتن شرایط کشور تعیین شود. به علاوه صندوق، فرآیند اعطای تسهیلات توسط شبکه بانکی را پیش کند تا اعطای تسهیلات در چارچوب قواعد و اصول تعریف شده برای صندوق باشد.^[۳۱]
- با هدف ارتقای فرآیند تخصیص منابع صندوق توسعه ملی از طریق توزیع ریسک عدم بازگشت منابع صندوق با بانک‌ها، این صندوق منابع ریالی خود را از طریق ایجاد صندوق مشترک با بانک‌ها تخصیص دهد به طوری که بانک‌ها حداقل ۳۰ درصد از منابع مالی طرح را تامین کنند.
- در درازمدت و با اصلاح اساسنامه صندوق، خرید اوراق تامین مالی شرکت‌ها که به منظور جذب منابع برای سرمایه‌گذاری در بازار اوراق منتشر شده، جایگزین شیوه موجود اعطای تسهیلات با واسطه نظام بانکی گردد.

⁴² Cofinance

⁴³ Crowd Financing

- به منظور ایجاد شفافیت در تخصیص منابع صندوق توسعه ملی از طریق قرارداد عاملیت، صندوق توسعه ملی برنامه سالانه خود برای تخصیص منابع مالی به بخش‌ها و بانک‌های مختلف و همچنین اطلاعات کامل پروژه‌هایی که از منابع صندوق استفاده کرده‌اند از جمله ذی‌نفع نهایی آن را انتشار عمومی دهد.
- صندوق توسعه ملی از طریق حضور در بازارهای مالی بین‌المللی، منابع مالی خود را برای جذب منابع مالی خارجی اهرم کند. اهرمی‌سازی منابع صندوق توسعه ملی می‌تواند از طریق تعریف ابزارهای پوشش ریسک صورت گیرد. صندوق می‌تواند از طریق شرکت‌های سرمایه‌گذاری اقدام به ایجاد سبد دارایی شامل سهام، اوراق شرکتی و اوراق قرضه دولتی در بازارهای خارجی کند. این ابزارها در کنار خرید اوراق بهادار خارجی می‌تواند به عنوان وثیقه جهت پوشش ریسک‌های کشور استفاده شود.
- صندوق توسعه ملی با هدف جذب سرمایه‌گذار خارجی، اقدام به ایجاد سازه مالی برای پروژه‌های داخلی نماید، به طوری که تامین مالی این پروژه‌ها به طور مشترک توسط صندوق توسعه ملی و منابع خارجی صورت گیرد. ارزیابی پروژه‌ها با استفاده از خدمات مشاوره‌ای شرکت‌های بین‌المللی صورت گیرد تا امکان ارزیابی صحیح‌تر پروژه‌ها و کارایی بالاتر در تخصیص منابع فراهم گردد ضمن آن که اعتماد سرمایه‌گذار خارجی نیز بصورت موثرتری جلب شود.
- به منظور تسهیل در جذب منابع خارجی برای تامین مالی بنگاه‌های داخلی، صندوق توسعه ملی، مشارکت در تامین مالی پروژه‌هایی را که از طریق منابع مالی خارجی تامین مالی می‌شوند در اولویت قرار دهد.

سرمایه‌گذاری و تامین مالی خارجی

- به منظور کاهش نیاز به ضمانت‌های دولتی برای تامین مالی شرکت‌ها از خارج، دولت اقدام به رتبه‌بندی ریسک کشور توسط نهادهای مالی و اعتباری بین‌المللی کند تا امکان رتبه‌بندی شرکت‌ها و تعیین ریسک اعتباری شرکت‌های ایرانی با توجه به رتبه و ریسک اعتباری دولت فراهم گردد.
- با توجه به اهمیت وجود پایگاه داده‌های اطلاعاتی به منظور ارزیابی سرمایه‌گذاری در ایران توسط سرمایه‌گذاران خارجی، وزارت اقتصاد با همکاری بخش خصوصی و همچنین دستگاه‌های دولتی، فهرستی از اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل بخش‌های مختلف اقتصادی کشور از جمله حوزه‌ی گردشگری، حوزه‌ی حمل و نقل و حوزه‌ی انرژی به منظور امکان‌سنجی جذب سرمایه‌گذار خارجی را مطابق با استانداردهای جهانی تهیه و منتشر کند.

- به منظور تسهیل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تفسیری شفاف و مشخص از اصل ۸۱ قانون اساسی ارائه گردد به گونه‌ای که اعمال این اصل و کسب اجازه در خصوص مصادیق آن محدود به حوزه‌ی مبادلات مالی و اقتصادی دولت باشد و امتیاز تشکیل شرکت‌های خارجی که با دولت مبادلات مالی و اقتصادی ندارند از شمول این اصل خارج شود. همچنین با ارایه تفسیر شفاف از عبارت "اموال عمومی" در اصل ۱۳۹ قانون اساسی، شرایط ارجاع دآوری در قراردادهای بین‌المللی کاملاً مشخص گردد.
- به منظور کمک به رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارتباط بیشتر این بنگاه‌ها با بازارهای مالی و تجاری بین‌المللی بانک توسعه صادرات بخشی از مأموریت خود را به تامین اعتبار خریدار برای توسعه صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط اختصاص دهد به طوری که خریداران خارجی صرفاً برای خرید از بنگاه‌های کوچک و متوسط داخلی به این اعتبار دسترسی داشته باشند. به علاوه بانک توسعه صادرات با انتشار اوراق مالی به نیابت از بنگاه‌های کوچک و متوسط داخلی شرایط را برای تامین مالی این بنگاه‌ها از بازارهای مالی بین‌المللی تسهیل کند.

پیوست توضیحات

[۱] برخی از انحصارهای موجود در اقتصاد ایران در شرایط فعلی به دلیل برخی از ملاحظات امنیتی، سیاسی و فرهنگی است. نمونه این انحصارات را می‌توان انحصار در شبکه‌های تلویزیونی در داخل (انحصار صدا و سیما) به عنوان نمونه‌ای از انحصار به دلیل ملاحظات امنیتی، سیاسی و فرهنگی یا انحصار در مخابرات به دلیل ملاحظات امنیتی دانست. این انحصارات مبنای مشخص و سنجش‌پذیری ندارند.

[۲] واگذاری بنگاه‌های دولتی به صورت موردی سبب شده است تا مدیریت غیرحرفه‌ای بر این بنگاه‌ها مستقر گردد. نمونه‌ای از این نوع واگذاری‌ها، واگذاری مجموعه‌های نیروگاهی به بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری است که تخصصی در اداره‌ی نیروگاه‌های برق ندارند. ضمن اینکه واگذاری‌های انفرادی سبب شده است تا صرفه‌های ناشی از مقیاس در مدیریت مجموعه‌های نیروگاهی امکان‌پذیر نباشد. واگذاری بنگاه‌های با حیطة فعالیت یکسان تحت سهام یک هولدینگ امکان به کارگیری مجموعه مدیریتی حرفه‌ای برای اداره آن‌ها را فراهم کرده و در کنار بهره‌گیری از صرفه‌های ناشی از مقیاس سبب بهبود در بهره‌وری این بنگاه‌ها می‌گردد.

[۳] منظور از قاعده ذی‌نفع واحد لحاظ کردن همزمان مالکیت مستقیم یا غیرمستقیم است. مالکیت غیرمستقیم ممکن است از طریق شرکت‌های زیرمجموعه اعمال شود.

[۴] دو قانون مشخص در حوزه رقابت، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مشتمل بر ۲۲ ماده و ۱۵ تبصره در تاریخ ۱۳۸۸/۰۷/۱۵ تصویب شد و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مشتمل بر ۹۲ ماده و ۹۰ تبصره در ۱۰ فصل مصوب ۱۳۸۸/۱۱/۰۸ است. فصل ۹ این قانون با نام تسهیل رقابت و منع انحصار ۴۲ ماده و ۱۹ تبصره دارد. چون قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پس از قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان تصویب شده است، در صورت وجود تعارض و عدم امکان جمع میان مفاد دو قانون، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (قانون مؤخر) بر قانون حمایت از مصرف‌کنندگان (قانون مقدم) تفوق خواهد داشت و آن را نسخ خواهد کرد. با این حال قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان

نسبت به فصل ۹ ساختار منطقی‌تر و قابل فهم‌تری دارد. یکی از عوامل برتری قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان این است که مواد این قانون در قالب فصول جداگانه‌ای همراه با عناوین مرتبط قرار گرفته است و امکان جست‌وجو و دسترسی به ماده مورد نظر به‌سادگی فراهم خواهد شد. اما فصل ۹ چنین نظمی ندارد و مواد این فصل (مواد ۴۳ تا ۸۴) فاقد دسته‌بندی موضوعی است.

با توجه به این توضیحات، پیشنهاد می‌شود برای آنکه فصل ۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نظم بیشتر و ساختار بهتری داشته باشد، در قالب یک قانون مستقل با عنوان «قانون رقابت» تدوین و تصویب شود. تصویب این فصل به‌عنوان یک قانون مستقل همچنین باعث می‌شود از سوی فعالان اقتصادی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. با اعمال این تغییرات می‌توان قانون رقابت را به بخش‌های جداگانه‌ای تقسیم کرد و مباحث ماهوی (حقوق و تکالیف)، مباحث نهادی (شورای رقابت و مرکز رقابت و ساختار آنها)، مباحث آیین دادرسی و مجازات‌ها و جریمه‌ها را به‌طور مجزا در آن بخش‌ها درج نمود. به علاوه در «قانون رقابت» نقش شورای رقابت ارتقا می‌یابد، به طوری که این شورا بتواند از شکل‌گیری فضای رقابتی محافظت نماید و امکان فعالیت برای بخش خصوصی رقابتی را با مهار انحصارات بخش دولتی و عمومی غیردولتی فراهم سازد.

[۵] تعیین دستوری قیمت از طریق سازوکارهای مختلف مانند تثبیت سطح قیمت‌ها، تعیین سقف قیمت، و تعیین قیمت معادل با هزینه تمام شده به اضافه سود مشخص از جمله شیوه‌های به کار گرفته شده توسط دولت برای قیمت‌گذاری مستقیم کالاها و خدمات است. این در حالی است که رویکرد جایگزین توسط دولت می‌تواند کاهش هزینه‌های ورود، خروج و به‌طور کلی بهبود در محیط کسب و کار باشد تا شرایط برای افزایش تعداد بنگاه‌های اقتصادی و امکان ایجاد رقابت بین این بنگاه‌ها فراهم شود. هر چند افزایش تعداد بنگاه‌های اقتصادی شرط لازم برای ایجاد رقابت است، باید با اجرای قانون رقابت از شکل‌گیری تبانی بین بنگاه‌های اقتصادی برای شکل‌دهی قیمت جلوگیری کرد.

[۶] یک سازوکار پیشنهادی برای آن که مداخله دولت در تعیین قیمت حداقل شود، سازوکار تسطیح قیمت پویاست^۱ که می‌تواند برای قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی مورد استفاده قرار گیرد. در این سازوکار قیمت‌های جهانی به عنوان قیمت مبنا تعیین می‌شود با این حال میزان نوسانات مجاز طی یک بازه مشخص (مثلاً یک بازه شش ماهه) از قبل معین می‌شود (به‌طور مثال

۵ درصد) و لذا قیمت طی بازه‌ی مذکور نوسان شدیدی نخواهد داشت. در این شیوه قیمت برای دوره‌ی بعد بر اساس میانگین قیمت جهانی در دوره‌ی پیش از آن تعیین خواهد شد. طبق این سازوکار نیازی به دخالت دولت برای تعیین قیمت انرژی وجود نخواهد داشت.

[۷] همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بهبود در شرایط رقابت در کشور از طریق تدوین «قانون رقابت» می‌تواند تسهیل شود. پیشنهاد ارائه شده در خصوص انحلال سازمان‌های مرتبط با تنظیم‌گری قیمت می‌تواند بخشی از این قانون باشد که در سرفصل سیاستگذاری دولت در حوزه‌ی رقابت پیشنهاد گردید.

[۸] حوزه‌ی تامین اجتماعی از جمله مصادیق این بند است که در آن دولت به طور همزمان داور و مجری است.

[۹] ماده ۲۷ قانون برگزاری مناقصات که در مورد ترک تشریفات مناقصه است بیان می‌کند: در مواردی که انجام مناقصه براساس گزارش توجیهی دستگاه مناقصه‌گزار به تشخیص یک هیأت سه‌نفره مرکب از مقامات مذکور در ماده (۲۸) این قانون میسر نباشد، می‌توان معامله را به طریق دیگری انجام داد و در این صورت هیأت ترک تشریفات مناقصه با رعایت صرفه و صلاح دستگاه ترتیب انجام این گونه معاملات را با رعایت سایر مقررات مربوط در هر مورد برای یک نوع کالا یا خدمت تعیین و اعلام خواهد نمود.

[۱۰] اصل ۱۳۸ قانون اساسی: علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیونها در محدوده قوانین پس از تأیید رییس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رییس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد.

[۱۱] ماده ۹ قانون برنامه ششم توسعه: دولت مکلف است تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت را برای اجرای تمامی مراحل انواع معاملات متوسط و بزرگ وزارتخانه‌ها و دستگاههای مشمول قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۳ و دیگر قوانین مالی و معاملاتی بخش عمومی بجز معاملات محرمانه، با رعایت قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ و قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۳ تکمیل کند. کلیه دستگاههای مشمول قانون برگزاری مناقصات و نهادهای عمومی غیردولتی مکلف به رعایت قانون برگزاری مناقصات و انجام معاملات خود از طریق سامانه مذکور هستند.

[۱۲] طبق این سیستم، مقامات حکومتی از یک رتبه مشخص به بالاتر که در بخش‌ها و دستگاههای مالی و اقتصادی حاکمیت مشغول به کار هستند و همچنین میزان سهام آنها از یک آستانه تعریف شده بالاتر است موظف به فروش سهام یا قرار دادن آن در حساب‌هایی هستند که به وسیله کارگزاران ناشناس مدیریت می‌شوند.

[۱۳] در اجرای قانون دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات، سامانه‌ای ایجاد شده است که تحت این سامانه شهروندان می‌توانند از دستگاههای مختلف اجرایی درخواست ارائه اطلاعات کنند. با این حال این سامانه فاقد آرسویوی از اطلاعات دریافت شده و همچنین عملکرد دستگاههای مختلف در ارائه اطلاعات به شهروندان است. اضافه شدن این موارد به سامانه می‌تواند کارایی و شفافیت بیشتر را به همراه داشته باشد.

[۱۴] توسعه صادرات در ایران از طریق بازارهای سهل‌الوصول تر باید پیگیری شود. در شرایط فعلی این بازارها ابتدا کشورهای عراق، افغانستان، لبنان و سوریه، سپس کشورهای آسیای میانه و قفقاز مانند آذربایجان و گرجستان و در مرحله بعدی کشور ترکیه است. ایجاد پیمان تجاری منطقه‌ای نیز می‌تواند از طریق این گروه کشورها پیگیری شود، هر چند شرط لازم برای شکل‌گیری یک پیمان تجاری، همگرایی در سیاست‌های پولی و مالی، به ویژه تورم، نرخ ارز و میزان تعرفه کالاهاست.

[۱۵] در سال‌های اخیر با همگرا شدن تعرفه‌ها، سیاست‌های تسهیل تجارت به کاهش سایر هزینه‌های تجارت معطوف شده است. بررسی‌های صورت گرفته توسط سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد که تعرفه‌ها تنها ۱۰ درصد از ۲۱۹ درصد از هزینه‌های تجارت را تشکیل می‌دهند و سایر هزینه‌ها از جمله نوسانات نرخ ارز، هزینه‌های گردش کار در گمرک، هزینه‌های مربوط به دسترسی هوایی و دریایی و زیرساختهای فناوری اطلاعات عمده هزینه‌های تجاری را تشکیل می‌دهند. این هزینه‌های تجاری نه تنها برای کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته است بلکه نرخ کاهش این هزینه‌ها

در این دسته از کشورها کمتر از کشورهای توسعه یافته بوده است. اهمیت این هزینه‌ها در رشد تجارت به گونه‌ای بوده است که در سالهای اخیر کشورهای جهان موارد مربوط به ایجاد تسهیل در تجارت را در پیمان‌های منطقه‌ای می‌گنجانند.

به علاوه سازمان تجارت جهانی از سال ۲۰۱۳ قرارداد تسهیل در تجارت را در دستور کار خود قرار داده است. هم اکنون حدود ۸۰ کشور عضو سازمان تجارت جهانی این قرارداد را به اجرا درآورده‌اند و با توافق بیشتر کشورها و رسیدن به آستانه‌ی دو سوم کشورهای عضو، این قرارداد لازم‌الاجرا می‌شود. انتظار می‌رود اجرایی شدن این قرارداد بتواند صادرات کشورهای در حال توسعه را به میزان ۱۰ هزار میلیارد دلار افزایش دهد. قرارداد تسهیل در تجارت، ذیل ۱۲ فصل دسته‌بندی شده است که هر کدام از فصل‌ها به یکی از اجزای مربوط به این قرارداد پرداخته و الزامات خاصی را برای کشورهای امضاکننده‌ی آن ایجاد می‌کند.

[۱۶] در حالی که برخی از امتیازات حوزه صنعت و سرمایه‌گذاری خارجی، عینا در مناطق آزاد و سرزمین اصلی مشترک است وجود زیرساخت‌های مناسب‌تر و نزدیکی به بازار مصرف داخلی فعالان اقتصادی را به فعالیت در سرزمین اصلی متمایل می‌سازد. برخی از امتیازات مشابه بین مناطق آزاد و داخل کشور عبارتند از امتیازات موجود در قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، معافیت‌های موجود در قانون مالیات‌های مستقیم، قانون بهبود فضای کسب و کار، مصوبه هیئت وزیران جهت تسهیل صدور روادید سرمایه‌گذاران خارجی، معافیت‌های حقوق ورودی مربوط به مرز نشینان و مواد اولیه و ماشین‌آلات خط تولید. تولیدکنندگان مستقر در مناطق آزاد حتی در برخی موارد با سخت‌گیری‌ها و مشکلات بیشتری جهت فعالیت‌های خود مواجه هستند. مشکلاتی در حوزه‌های اخذ تاییدیه کارگروه استاندارد، ترانزیت، واردات مواد اولیه و صادرات مجدد، تخصیص اعتبار و تضمین. این مشکلات در برخی موارد موجب گردیده است تا کارخانجات فعال در مناطق آزاد، مواد اولیه و کالای مورد نیاز خود را در محدوده مناطق آزاد ترخیص قطعی - پرداخت کامل حقوق ورودی - نمایند و تمایلی به بهره‌مندی از معافیت حقوق ورودی نداشته باشند.

به علاوه مناطق آزاد ایران به لحاظ زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه یافته نیستند. این در حالی است که مناطق آزاد که در نهادهای اقتصادی بین‌المللی از آن‌ها با نام مناطق پردازش صادرات یاد می‌شود، با اهدافی نظیر جذب سرمایه‌گذاری خارجی

مخصوصاً در حوزه صنعت و صادرات شکل گرفته‌اند و به همین جهت در کشورهای با تجربه موفق در این حوزه، مناطق آزاد از زیرساخت‌های مناسب بهره‌مند بوده‌اند.

قواعد حکمرانی در مناطق آزاد کشور نیز با اشکالاتی مواجه است. تداخل بین قوانین داخلی ابلاغ شده با قوانین این مناطق، اختلاف بین شیوه مدیریت این مناطق با قواعد مربوط به شوراهای شهر و روستا و عدم حضور نمایندگان این مناطق در جلسات تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و عدم اثرگذاری آن‌ها سبب شده است تا این مناطق از کارایی لازم برای وصول به اهداف اولیه تاسیس‌شان برخوردار نباشند.

^[۱۷] نرخ مجموع مالیات بر شرکت‌ها در ایران حدود ۴۰ درصد است که از اغلب کشورهای همجوار ایران بیشتر است. این میزان از مالیات بر شرکت‌ها سبب شده است تا سهم این ابزار از مجموع درآمدهای مالیاتی وصول شده در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر قابل توجه باشد. در کشورهای با درآمد متوسط و با درآمد بالا سهم این ابزار از کل درآمدهای مالیاتی به ترتیب کمتر از ۲۰ و ۱۰ درصد است. کاهش نرخ مالیاتی به ویژه نرخ مالیات بر سود شرکت‌ها و متناسب‌سازی آن با مقدار این نرخ در کشورهای همسایه و همچنین کشورهای با درآمد متوسط می‌تواند بهبود قابل توجهی در نظام انگیزشی کسب و کار ایجاد کند.

^[۱۸] در یک نظام مالیات‌ستانی بهینه، نقش مالیات بر شرکت‌ها و مالیات بر واردات بیشتر معطوف به نقش سیاستی آن‌هاست. مالیات بر شرکت‌ها، اطلاعات لازم برای حسابرسی در مورد سایر ابزارهای مالیاتی را فراهم می‌کند. به طور مشخص در مالیات بر سود، شرکت‌ها انگیزه دارند تا هزینه‌های خود را بالاتر اعلام کنند و میزان سود کمتر و به تبع آن مالیات کمتری را پرداخت کنند. این در حالی است که بخش مهمی از هزینه‌های شرکت‌ها، هزینه‌های حقوق و دستمزد است و کارگران انگیزه دارند تا دریافتی خود را کمتر اعلام کنند تا میزان مالیات کمتری پرداخت کنند. همین امر و تضاد منافع ایجاد شده بین میزان سود اعلام شده توسط شرکت‌ها و همچنین دریافتی اعلام شده توسط کارگران، می‌تواند باعث کاهش فرار مالیاتی و بهبود در مالیات‌ستانی شود. هزینه‌های مربوط به خرید مواد اولیه نیز از همین منطبق پیروی می‌کند، چرا که خرید مواد اولیه از یک شرکت، فروش شرکت دیگر محسوب می‌شود و مساله تضاد منافع در این حالت نیز وجود دارد. از این رو نقش این ابزار بیشتر

ناظر بر افشای اطلاعات آحاد اقتصادی است. با این حال باید توجه داشت که این تضاد منافع بیشتر در بنگاه‌های بزرگ به وقوع می‌پیوندد.

از سوی دیگر، مالیات بر واردات ابزاری برای اعمال سیاست تجاری است. هر چند در سال‌های اخیر با کاهش متوسط تعرفه در نظام تجارت جهانی نقش این ابزار برای ایجاد درآمد محدودتر نیز شده است. بالا بودن نرخ مالیات بر واردات سبب می‌شود تا انگیزه برای قاچاق افزایش پیدا کند. با توجه به حجم قابل توجه واردات قاچاق از کل واردات ایران، نرخ موثر مالیات بر واردات از میزان رسمی آن به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر است.

^[۱۹] قواعد مالی ناظر بر مجموعه‌ای از محدودیت‌های تعریف شده و مشخص بر نشانگرهای مالی مانند تراز بودجه، مخارج، مالیات‌ها یا بدهی است. از دیگر اهداف تعیین قواعد مالی ایجاد یا بهبود اعتبار دولت در سیاست‌گذاری، کاهش هزینه‌های تامین مالی دولت و تضمین پایداری مالی بلندمدت است.

^[۲۰] شاخص‌های تعریف شده برای پایداری بدهی دولت شاخص‌هایی تجربی هستند بدین معنی که بر اساس رفتار میانگین کشورهایی که با مشکل بدهی مواجه بوده‌اند مقادیری از این شاخص‌ها به صورت آستانه‌ی مجاز برای پایداری بدهی دولت تعریف شده‌اند. در شرایط کنونی اقتصاد ایران، به دلیل وجود مشکلات در نظام بانکی و همچنین عدم دسترسی به منابع خارجی وضعیت تنگنای مالی در اقتصاد کشور شدیدتر بوده و همین امر سبب می‌شود که میزان آستانه‌ی مجاز این شاخص برای اقتصاد ایران پایین‌تر از میزان تعریف شده بر اساس رفتار میانگین کشورها باشد.

نکته مهم دیگر میزان رشد بدهی‌های دولت است. در ایران به دلیل اینکه سامانه ثبت بدهی فاقد اطلاعات لازم در مورد زمان ایجاد بدهی است، نمی‌توان تصویر مشخصی از میزان سالانه نرخ رشد بدهی و همچنین روند تاریخی آن به دست آورد و این نگرانی وجود دارد که نرخ رشد بدهی دولت به سطوح نگران‌کننده‌ای رسیده باشد.

^[۲۱] طی سالهای اخیر، بخشی از بدهی دولت به پیمانکاران و بخش خصوصی از طریق واگذاری اوراق بدهی بازپرداخت شده است. در این شرایط بخش خصوصی خود فرآیند فروش اوراق در بازار را به عهده گرفته است. از آنجا که نرخ تنزیل اوراق در بازار در نوسان است، این شیوه بازپرداخت بدهی سبب شده تا از شفافیت رابطه مالی بخش خصوصی و دولت کاسته شود. ضمن آنکه به دلیل تنزیل صورت گرفته، منابع نقدی که از فروش اوراق برای بخش خصوصی حاصل شده عموماً از میزان

طلب آنها از دولت کمتر بوده است. اصلاح این روش و انتشار اوراق توسط دولت در بازار و بازپرداخت بدهی به بخش خصوصی با استفاده از منابع نقد یک ضرورت است.

[۲۲] حوزه «حاکمیت شرکتی و شفافیت» شامل استانداردهای حسابداری، گزارش‌گری مالی، کنترل داخلی، حسابرسی و انطباق با قوانین و مقررات پولشویی می‌شود. کنترل داخلی به معنای فرآیندی است که توسط هیأت‌مدیره، مدیریت و دیگر کارکنان یک مؤسسه اجرا می‌شود و هدف از ایجاد آن، کسب اثربخشی و کارایی عملیات، قابلیت اعتماد به گزارش‌گری مالی، و پای‌بندی به قوانین و مقررات جاری است.

[۲۳] یکی از جنبه‌های نظارت بانکی، بعد اختیارات و مسئولیت‌های ناظر بانکی است. اختیارات و مسئولیت‌های ناظر بانکی شامل طراحی ابزارهای نوین مالی، ارتباط با نهادهای مالی بین‌المللی، ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی، تنظیم قوانین و مقررات بانکی، اطمینان از اجرای قواعد و استانداردهای تعیین شده توسط بانک مرکزی است.

[۲۴] حوزه «مقررات و الزامات احتیاطی بانکها» نیز شامل ساختار ترازنامه، پوشش ریسک و فرآیند مدیریت ریسک می‌گردد، به گونه‌ای که ریسک بانکها کنترل شود.

[۲۵] در شرایط کنونی در اقتصاد ایران چک‌های مدت‌دار ابزاری برای ایجاد اعتبار برای فرد صادرکننده‌ی چک است و به محض آن که فرد دریافت‌کننده‌ی چک آن را قبول می‌کند، خلق اعتبار صورت گرفته است. این فرآیند خلق اعتبار لزوماً مبتنی بر پایش شرایط مالی فرد صادرکننده‌ی چک در خصوص امکان پرداخت وجه چک نیست. به همین جهت، این شیوه بهره‌گیری از چک به ایجاد ریسک‌های بزرگ در فضای کسب و کار منجر شده است. این در حالی است که فرآیند جایگزین، استفاده از کارت‌های اعتباری است. از آنجا که انتشار کارت‌های اعتباری توسط نهادهای مالی و با توجه به ارزیابی وضعیت و منابع مالی فرد انجام می‌شود لذا ریسک کمتری را در اقتصاد ایجاد خواهد کرد. به همین دلیل لازم است که چک‌های مدت‌دار با کارت اعتباری جایگزین گردند و استفاده از چک صرفاً به عنوان شیوه‌ای از پرداخت نقد محدود گردد.

[۲۶] برخی از ابزارهای انگیزشی عبارت‌اند از نرخ ذخیره قانونی، واخواست و عزل مدیران، نرخ‌های وام بانک مرکزی به بانک‌های تجاری، لغو برخی مجوزها و دسترسی‌های بانک‌ها.

[۲۷] قراردادهای ریپو نوعی از قرارداد کوتاهمدت وام است که در آن فروشنده اوراق بهادار متعهد می‌شود که اوراق بهادار فروخته شده را در زمان و قیمت مشخص شده بازخرد کند.

[۲۸] وام‌دهی P2P تامین مالی از طریق در اختیار قراردادن منابع برای مصرف در یک پروژه مشخص است. در این شیوه نقش واسطه‌گری موسسات مالی حذف شده و افرادی که منابع مالی در اختیار دارند به طور مستقیم با متقاضیان منابع در ارتباط قرار می‌گیرند.

[۲۹] یکی از مسائل فعلی در حوزه‌ی تجارت نرخ بالای تنزیل اسناد اعتباری مدت‌دار است. در شرایط فعلی که مبادلات مالی ایران با نظام مالی بین‌المللی به دلیل محدودیتهای نظام بانکی محدود شده است، نرخ تنزیل اسناد تجاری طرف ایرانی بالا است. نبود سازوکار مشخص و روشن برای ارزیابی اعتبار بنگاههای ایرانی به همراه ریسک‌های سیاسی و اقتصادی سبب شده است تا طرفهای تجاری خارجی تمایل کمتری برای دریافت اسناد اعتباری مدت‌دار داشته باشند. صندوقهای تجاری مالی، می‌توانند تنزیل اسناد اعتباری مدت‌دار کشور را عهده‌دار شوند. این صندوقها می‌توانند طرف ایرانی صادرکننده اسناد تجاری را دقیقتر ارزیابی کنند و از سوی دیگر امکان آن که بتوانند از طریق نظام حقوقی داخل کشور برای دریافت وجه این اسناد در صورت نکول صادرکننده‌ی آن اقدام کنند بیشتر است. از این رو ایجاد این صندوقها می‌تواند با کاهش نرخ تنزیل، تبادلات تجاری کشور را تسهیل کند.

[۳۰] در یک تقسیم‌بندی کلی حوزه‌های فین‌تک به سه حوزه اصلی و دو حوزه فرعی تقسیم‌بندی می‌شود. اولین و مهم‌ترین حوزه فعالیت فین‌تک‌ها، حوزه پرداخت است. دومین حوزه، حوزه قرض‌دهی و تامین مالی برای خانوار و بنگاه است. سومین حوزه فعالیت فین‌تک‌ها هم مربوط به حسابهای پس‌انداز است. علاوه بر این سه حوزه اصلی، دو حوزه فرعی دیگر هم که فین‌تک‌ها در آن فعال هستند، عبارتند از مبادلات مالی خارجی و مدیریت حسابهای فردی. در نظام بانکی، بانکها با قبول سپرده و اعطای تسهیلات دو نوع عملیات انجام می‌دهند. اولی تبدیل سررسیدهاست به این معنی که بانک سپرده‌های با سررسید کوتاه‌مدت را جذب کرده و تسهیلات با سررسید بلندمدت اعطا می‌کند و دومین عملیات، تبدیل ریسک است به این معنی که بانکها در فعالیت‌های ریسکی منابع خود را به پروژه‌های ریسک‌دار تخصیص می‌دهند در حالی که سپرده‌های شبکه

بانکی بدون ریسک است. در عملیات مالی که فین تک‌ها انجام می‌دهند این دو تبدیل وجود ندارد و لذا در معرض ریسک کمتری است و از این منظر بازدهی تعدیل شده با ریسک بالاتری دارد.

[۳۱] صندوق‌های ثروت ملی در دنیا نوعاً اقدام به انتخاب یک شاخص کرده و میزان بازدهی خود را بر اساس بازدهی این شاخص و دامنه‌ی مشخصی از نوسانات تنظیم می‌کنند. تعیین شاخص برای بازدهی صندوق‌های ثروت ملی این امکان را ایجاد می‌کند تا بازدهی عملکرد صندوق منطبق با شرایط بازارهای مالی باشد. قاعدتاً در دوره‌هایی که بازدهی مالی کاهش پیدا می‌کند بازدهی دارایی‌های صندوق‌های ثروت ملی نیز کم می‌شود و در دوره‌های رونق این بازدهی نیز افزایش پیدا می‌کند. در ایران صندوق توسعه ملی نقش سرمایه‌گذاری در قالب اعطای وام دارد. از این رو تعیین نرخ سود وام‌های اعطا شده از اهمیت برخوردار است. با این حال نرخ وام به صورت قاعده‌ای که بتواند در شرایط مختلف اقتصادی تغییر کند تنظیم نشده است و صرفاً به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی نرخ سود وام‌ها بصورت ثابت تعیین شده است. تغییر نرخ سود نیازمند مصوبه هیات امنای صندوق است که با توجه به تواتر شکل‌گیری جلسات هیات امنای تغییر آن چندان آسان نیست. از این رو به نظر می‌رسد تعیین استراتژی سرمایه‌گذاری به معنای تعیین شاخصی برای سود وام‌های اعطا شده صندوق می‌تواند انعطاف بیشتر در تخصیص منابع صندوق را به همراه داشته باشد.

منابع

حوزه‌ی رقابت و خصوصی‌سازی

منابع انگلیسی:

1. Kikeri, S., & Perault, M. (2010), Privatization trends: A sharp decline but no widespread reversals in 2008, The World Bank Group, No.322
2. Motta, M. (2004), The World Bank Group competition policy: Theory and practice, Cambridge University Press, 2010
3. Schwab, K. (2015), The global competitiveness report 2015–2016, World Economic Forum, 2015.
4. World Bank (2015), Doing business 2015: Going beyond efficiency
5. World Bank (2016), Doing business 2016: Measuring regulatory quality and efficiency

منابع فارسی:

۱. شاکری، گ. (۱۳۹۴)، نحوه نظارت بر چگونگی اجرای قوانین رقابت و ضدانحصار در ایران و کشورهای منتخب، اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران
۲. فاطمی، ف و همکاران (۱۳۹۴)، بررسی فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران
۳. فاطمی، ف و همکاران (۱۳۹۵)، مجموعه مطالعات طرح اقتصاد ایران، پروژه انحصار و رقابت، بخش حاکمیتی غیردولتی، خصوصی‌سازی، محیط کسب‌وکار، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران (۱۳۸۹)، ارزیابی ابعاد رقابت‌پذیری اقتصاد ایران، دفتر مطالعات اقتصادی
۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران (۱۳۹۵)، گزارش پایش محیط کسب و کار در اقتصاد ایران
۶. نیلی، م. و همکاران (۱۳۹۶)، اقتصاد ایران: چگونگی گذر از ابرچالش‌ها، جلد دوم، انحصار و رقابت، بخش حاکمیتی غیر دولتی، خصوصی‌سازی و محیط کسب و کار، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

قیمت‌گذاری کالاها و خدمات

منابع انگلیسی:

1. Hertog, J.D. (2010), Review of economic theories of regulation, Koompans Research Institute

2. King, S.P. (2010), Principles of price cap regulation, CiteSeerX
3. Sappington, D.E. (2000), Price regulation and incentives, Handbook of telecommunication economics
4. Tirole, J. (2014), Market failures and public policy, Nobel Laurate Lecture

منابع فارسی:

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل وضعیت اقتصادی واحدهای پتروشیمی با خوراک مایع و ملاحظات قیمت خوراک در این واحدها، دفتر مطالعات انرژی: صنعت و معدن
۲. مطرانلویی، پ. (۱۳۹۳)، اهمیت سیاست رقابتی در حمایت از مصرف‌کنندگان، اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران
۳. نیلی، م. و همکاران (۱۳۹۶)، اقتصاد ایران، چگونگی گذر از ابرچالش‌ها، جلد دوم، انحصار و رقابت، بخش حاکمیتی غیر دولتی، خصوصی‌سازی و محیط کسب و کار، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

بهبود در فضای کسب و کار

منابع انگلیسی:

1. Herbert, R. (2009), Challenges of structuring a productive investment climate, OECD
2. Jones, J. (2017), International business and emerging markets: A long-run perspective, Harvard Business School
3. World Bank (2013–2018), Doing business report
4. World Economic Forum (2015–2017), The Global competitiveness report

منابع فارسی:

۱. امینی، ع. (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی محیط کسب و کار در اقتصاد ایران، فرصت‌ها و چالش‌های فرارو، وزارت امور اقتصادی و دارایی
۲. سالاری، ا. (۱۳۹۰)، بررسی تاثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
۳. فهیمی‌فر، ف. و اشرفی، ی. (۱۳۹۱)، بررسی شاخصهای بهبود فضای کسب و کار با تأکید بر جایگاه ایران، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران (۱۳۹۵)، گزارش پایش محیط کسب و کار در اقتصاد ایران
۵. میراحسنی، م. (۱۳۹۱)، فضای کسب و کار در ایران و سایر کشورها طی سال‌های ۲۰۰۳–۲۰۱۲ از منظر بانک جهانی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
۶. نصیری اقدم، ع. (۱۳۹۳)، لایحه اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم و محیط کسب و کار، فصلنامه مجلس و راهبرد

حکمرانی خوب

منابع انگلیسی:

1. Drake, E. and et.al (2001), Good governance and the World Bank, University of Oxford
2. International Fund for Agricultural Development (1999), Good governance: An overview
3. Independent Commission Against Corruption (2009), Public sector anti-corruption framework manual
4. Kim, Y.J. (2007), The new paradigm of anti-corruption policies in Korea: A focus on the lobbying disclosure act, The Gov Net E-Journal
5. Oh, L.J. (2010), Anti-corruption and transparency: South Korea's pathway to preeminence in the Asia-Pacific, US-Korea Institute of Art
6. Transparency International (2012-2016), Corruption perception index report
7. United Nations (2016), Anti-fraud and anti-corruption framework

منابع فارسی:

۱. عطایی، ا. (۱۳۸۷)، نقدی بر شاخص‌های سنجش فساد: شاخص ادراک فساد، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۲. فاضلی، م. (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر سنجش فساد، معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۳. فرج‌پور، م. (۱۳۸۳)، فقر، فساد و تبعیض: موانع توسعه در ایران، موسسه فرهنگی رسا
۴. مخیر، ع. (۱۳۸۳)، حکمرانی و مبارزه با فساد، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۵. معاونت طرح و برنامه وزارت صنعت، معدن و تجارت (۱۳۹۶)، شاخص ادراک فساد
۶. نیلی، م. و همکاران (۱۳۹۶)، اقتصاد ایران: چگونگی گذر از ابرچالش‌ها، جلد اول و دوم، انحصار و رقابت، بخش حاکمیتی غیر دولتی، خصوصی‌سازی و محیط کسب و کار، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

اصلاحات در نظام تامین اجتماعی

منابع انگلیسی

1. Deloitte (2017), Comparative social security benefits study
2. Goudswaard, K. and Caminada, K. (2016), Social security contributions: Economic and public finance considerations, Wiley Online Library
3. Martin, F. and Liebman, J.B. (2002), Social security, Handbook of public economics, Elsevier
4. World Bank (2013-2016), Doing business report

منابع فارسی

۱. اخوان بهبهانی، ع. و همکاران (۱۳۹۶)، بررسی وضعیت سازمان تامین اجتماعی و ضرورت اصلاحات بنیادی در آن: علل و اقدامات فوری مورد نیاز، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۲. چشمی، ع. و رضوی، م. (۱۳۹۴)، بررسی نقش تامین اجتماعی در سهولت محیط کسب و کار: وضعیت جهانی و مسائل کارفرمایان ایرانی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه
۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران (۱۳۹۵)، گزارش پایش محیط کسب و کار در اقتصاد ایران

برونگرایی و سیاست‌های تجاری

منابع انگلیسی:

1. Krugman, P. (2008), The increasing returns revolution in trade and geography, Nobel laureate lecture
2. Mago, G. (2014), International trade agreements, Handbook of international trade, Elsevier
3. Martin, W. (2001), Trade policies, developing countries and globalization, , World Bank Group
4. Rodrik, D. (1995), Political economy of trade policy, Handbook of international trade, Elsevier
5. Rodrik, D. (2000), Trade policy reform as institutional reform, Harvard University
6. UNCTAD (2017), World Investment Report
7. WTO (2012), The WTO trade facilitation agreement

منابع فارسی:

۱. اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران (۱۳۹۴)، مقایسه وضعیت تعرفه‌های کشورهای منتخب
۲. ساعدی، ع. و همکاران (۱۳۹۵)، طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران، پروژه برونگرایی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
۳. علیزاده، پ. (۱۳۹۲)، مروری بر سیاست‌های حمایت از تجاری سازی اختراعات در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۴. مطرانلویی، پ. (۱۳۹۳)، الزامات سیاست‌گذاری اجرای موفق اصلاحات اقتصادی در ایران، اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران
۵. نیلی، م. و همکاران (۱۳۹۶)، اقتصاد ایران چگونگی گذر از ابرچالش‌ها، جلد دوم، سیاست‌های تجاری و برونگرایی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
۶. یوسفی، ک. و همکاران (۱۳۹۵)، طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران، پروژه سیاست‌های تجاری، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

سیاست‌های ارزی

منابع انگلیسی:

1. Ali–Abri, S. (2014), Optimal exchange rate policy for a small oil–exporting country, Economic Modeling
2. Engel, Ch. (2000), Optimal exchange rate policy: The influence of price setting and asset markets, NBER
3. Habib, M.M. and Strasky, J. (2008), Oil exporters in search of an external anchor, European Central Bank
4. Wills, S. and Vander Ploeg, R. (2014), Why do so many oil exporters peg their currency? IMF

منابع فارسی:

۱. جلالی نائینی، ار و نادریان، م.ا. (۱۳۹۵)، سیاست‌های پولی و ارزی در یک اقتصاد صادرکننده نفت: مورد ایران، فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی
۲. مصطفی‌پور، م. و سخایی، ع. (۱۳۹۰)، نگاهی به سیاست‌های ارزی کشور و چارچوب مناسب تعیین نرخ ارز، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
۳. نیلی، م. و عادل، ن. (۱۳۸۳)، بررسی عوامل موثر بر تشدید یا بروز بحران‌های ارزی با توجه به تاثیرات خاص کشورها، چهارمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی

نظام مالیاتی

منابع انگلیسی:

1. Bird, R. and Gendron, P.P (2007), The VAT in developing and transitional countries, Cambridge University Press
2. Firda, W. (2001), Tax structure and growth: Are some taxes better than others?, Public Choice
3. Mirrlees, J. and Adam, S. (2011), Tax by design, Oxford University Press
4. Slemrod, J. and Yitzhaki, Sh. (2002), Tax avoidance, evasion and administration, Handbook of public economics

منابع فارسی:

۱. اولیاء، ح. و بنی‌طبا، م. (۱۳۹۶)، واکاوی ابعاد اخذ مالیات از سود بانکی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۲. پژوهان، ج. (۱۳۸۳)، چالش‌های نظام مالیاتی در ایران، مجلس و پژوهش
۳. توتونچی، س. (۱۳۹۴)، بررسی عملکرد قانون مالیات بر ارزش افزوده و اهم چالش‌های آن، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

۴. سیدنورانی، م.ر. (۱۳۸۸)، فرار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۵. قاسمیان، ع. (۱۳۹۵)، بررسی مالیات بر ارزش افزوده در ایران و کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی، اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران
۶. نظری، ع. و فدایی، ا. (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی نظام مالیاتی در ایران، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
۷. نیلی، م. و همکاران (۱۳۹۶)، اقتصاد ایران، چگونگی گذر از ابرچالش‌ها، جلد دوم، سیاست‌های مالیاتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
۸. وصال، م. و همکاران (۱۳۹۵)، طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران، پروژه سیاست‌های مالیاتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

اصلاح نظام بودجه‌ریزی و مدیریت بدهی‌های دولت

منابع انگلیسی:

1. Alesina, A. and Perotti, R. (1999), Budget deficit and budget institutions, NBER
2. Fiess, R. (2006), Chile's new fiscal rule, World Bank
3. Kennedy, S. and Robbins, J. (2002), The role of fiscal rules in determining fiscal performance, Working paper
4. Lledo, V and et. Al (2017), Fiscal rule at a glance, IMF

منابع فارسی:

۱. زارعی، ژ. (۱۳۹۳)، قواعد مالی و پیاده‌سازی آن در اقتصاد ایران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۲. شاهمرادی و همکاران (۱۳۹۵)، پایداری بدهی دولت در اقتصاد ایران در افق ۱۵ ساله، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی با همکاری پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی
۳. قاسمی، م. و مهاجری، پ. (۱۳۹۴)، قواعد مالی مناسب برای سیاست‌گذاری مالی در اقتصاد ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه
۴. کردیچه، م. و همکاران (۱۳۹۵)، طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران، پروژه بودجه و قاعده‌مندی سیاست مالی، سیاست‌های مالی و بودجه، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی

۱. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)، طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران، پروژه ارزیابی وضعیت و چشم‌انداز بازارهای مالی، مجری، به سفارش موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

اصلاحات بانکی

منابع انگلیسی:

1. Basel committee on banking supervision (2012), Core principles for effective banking supervision, Basel committee.
2. Cornett, MM and et. al. (2011), Liquidity risk management and credit supply in the financial crisis, Elsevier
3. FATF, International standards on combating money laundering and financing of terrorism and proliferation (2012), The FATF recommendation,
4. Pazarbasioglu, C. and et. al (2011), Crisis management and resolution: Early lessons from the financial crisis, IMF
5. Radelet, S and et. al (2009), The East Asian financial crisis: Diagnosis, remedies, prospects, Brookings Papers on Economic Activity
6. Reinhart, C.M, and Rogoff, K.S. (2009), The aftermath of financial crises, American Economic Review
7. Valencia, F. and Laeven, L. (2012), Systemic banking crises database: An update, IMF

منابع فارسی

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶)، بازطراحی نظام نظارتی بانک مرکزی
۲. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)، طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران، پروژه ارزیابی وضعیت و چشم‌انداز بازارهای مالی، به سفارش موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

تامین مالی بخش خصوصی

منابع انگلیسی:

1. Gardner, D and Wright, J. (2011), Project finance, HSBC
2. IFC Advisory Services (2010), Access to credit among micro, small, and medium enterprises
3. Klapper, L.F. (2002), Small and medium size enterprise financing in Eastern Europe, World Bank
4. Vasilescu, A.M. and et. al (2009), Credit analysis policies in construction project finance, Management and Marketing
5. World Bank (2002), Domestic debt market development

منابع فارسی:

۱. شاهچرا، م. و طاهری، م. (۱۳۹۶)، تأمین مالی پایدار و سودآوری بانک، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۲. صالح‌آبادی، ع. (۱۳۸۸)، نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب و کار در اقتصاد ایران، فصل‌نامه پول و اقتصاد
۳. عبده تبریزی، ح. (۱۳۹۵)، بررسی مشکلات نظام تامین مالی در اقتصاد ایران، نشریه پیام کارآفرین
۴. قدوسی، ح. (۱۳۹۴)، سیاست‌های پیشنهادی برای بهبود نظام تامین سرمایه در گردش در ایران، اولین کنفرانس اقتصاد ایران
۵. نیلی، ف. و محمودزاده، ا. (۱۳۹۵)، نظام تامین مالی تولید در ایران: رابطه بانک و بنگاه، فرهاد نیلی و امینه محمودزاده، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران